

فرارشاه

تجلی اراده خلقهای ایران

ما در راه درختان مردمی که در ریزشگاههای آریس صد خنقی با دادن دهها هزار گشته و صد هشاررحمی برای رهائی خویشی از یوغ امپریالیسم و سرمایه داری و استعمار همپستی و اتحاد هستند و سرانجام شاه جلاد، این سگ رنجبری امریکا را که تصور می کرد با ارتش امریکائی خود و با فرماندهان جنایت پیشه ارتشش می تواند برای همیشه هر فرساده آرادخواهانهای را در گلو حلقه کند، از تحت سلطنت ۱۵۰۰ ساله

بقیه در صفحه ۷

باشکت در انتخابات ریاست جمهوری صف نیروهای مترقی را تقویت ولیرال هارا منفرد کنیم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از مسعود رجوی پشتیبانی میکند

فانون اساسی کنونی، تنها از حواستهای سرمایه داران لیبرال اکون در سبزه و بلوجسان به گرایشهای ارتجاعی قسری را بیان این دشمنان فریبکار زحمتکشان را آتش افروزی مسخولید، مسروطه می کند، بلکه در ضمن حال بسارهای نیز در بردارد. سرمایه دارانی که بقیه در صفحه ۵

به مناسبت سالگرد مرگ لنین

لنین آموزگار کیپر پرولتاریا در قلب زحمتکشان جهان زنده است

باوازه های نو
ما مرگ را محاصره کردیم
در لحظه ای که

از شن سو می آمد



در ۲۱ اکتبر ۱۹۲۲ میلادی در مسکو در اثر یک حمله قلبی درگذشت. او یک سال و هفت ماه در بیمارستان ها بستری بود و در آن مدت هیچ حرکتی نکرد و در آن ایام هیچ حرفی هم نزدید. او را در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۲۲ میلادی در مقبره لنین در مسکو دفن کردند. او یک سال و هفت ماه در بیمارستان ها بستری بود و در آن مدت هیچ حرکتی نکرد و در آن ایام هیچ حرفی هم نزدید. او را در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۲۲ میلادی در مقبره لنین در مسکو دفن کردند.

آرایش نیروها در

انتخابات ریاست جمهوری

آرایش نیروها در انتخابات ریاست جمهوری بطور سبسی بدینا ن خود نزدیک می شود و جناح های درگیر در جمهوری اسلامی همانطور که پیش بینی می شد، سیمای تازه تری از خود به نمایش گذاردند. سرمایه داران لیبرال ساددهای انتخاباتی خود را برپا داشتند و تمام امکانات مادی و انسانی خود را در اختیار خود گرفتند و برآمدند. آنها همچون گذشته محور سیاست تبلیغاتی خود را بر بهره گیری از احساسات مذهبی و ناراضی های بده های وسیع مردم گذاشتند. شعار "ایجاد امنیت" که در واقعاً معنی کننده تمایلات بورژوازی و خرده بورژوازی به قدرت رسیده است، مصصون اصلی برنامه غالب کاندیداها است و با قدری تمع می توان درک نمود که در پس این شعار، چگونه سرکوب مبارزات مردم گسترده طبقه کارگر و مدافعان آن قرار دارد.

نیمسار دربار مدنی، (استاندار خوزستان و عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران) بخصوص در این زمینه عنصر قابل ناگیدی است، کارنامه این کاندیدای ریاست جمهوری در پست استانتاداری خوزستان با سرکوب خونین خلق عرب خوزستان و کارگران جنوب آغاز و پایان می یابد و هر سبیه ای را در درک معنوی اصلی شعار او بر طرف می کند.

اسخابات ریاست جمهوری تنها عرمه ناخت و باز جناح های حاکم نبوده و کاندیدانوری مسعود رجوی جبهه تازه ای از نیروهای ترفیحخواه و ضد امپریالیست را بازگشود و حاکمیت را به تک و سدا انداخت.

پشتیبانی "هیئت نمایندگی خلقی کرد" از مسعود رجوی گسه نشانه "صلح طلبی" این هیئت است، اهمیت فراوانی داشت و جبهه نیروهای صدامیریالیست را بیش از پیش تقویت نمود و زمینه تازه ای از اتحاد عمل و اشتراک مساعی نیروهای رادیکال انقلابی فراهم آورد و چشم اندازی از وحدت انقلابی اقشار و طبقات خلق برسم کرد.

ناگفته پیداست که در این میان، افتای بی امان سرمایه داران لیبرال و به ویژه افشای کوششهایی که از جانب آنان برای مخدوش ساختن مرزبندی نیروهای انقلابی و دمکرات با جبهه لیبرال ها بعمل می آید، شرط ضروری برای تحکیم اتحاد عمل نیروهای انقلابی و دمکرات به شمار می رود. در این میان سردرگمی و گیج سری "توده ایها" چشم گیر بود. قبلا بگوئیم که "آیت الله خمینی" با پیام ۱۴ دی ماه ۵۸ در برابر واقعات مبارزه طبقاتی تسلیم شد و برای نخستین بار پذیرفت که "ولایت فقیه" در مقابل اراده مردم قرار دارد و حق توده های وسیع میلیونی را در تعیین سرنوشت خود از آنان سلب نموده است و به هردلیل در نخستین دور انتخابات ریاست جمهوری "اصل ولایت فقیه" را رها کرد.

با اینهمه "توده ایها" تلویحا از "آیت الله خمینی" خواستار می شوند که "ولایت فقیه" خود را اعمال نموده و "انتخابات رئیس جمهوری را از ابهام و سردرگمی برهاند." به این ترتیب یکبار دیگر روزنامه "مردم" با پرده پوشی حقایق مزبور به مبارزه بقیه در صفحه ۲

در این شماره:

در سال ۴۲، سال سرکوب خونین مردم توسط ارتش،

تیمسار مدنی درباره رضا خان می گوید:

"شاهنشاه فقید در راه نیرومند نمودن ایران نوین، در راه

تجدید عظمت شاهنشاهی کهن با اراده استوار پیش تاخت و...

اعلی حضرت شاهنشاه با توجه کاملی که به همه امور میهن دارند..."

در صفحه ۲ ضمیمه

"راه رشد غیر سرمایه داری" و "حزب توده"

در صفحه ۶

چرا اعضای شورای انقلاب از محاکمه گروگانها طفره می روند

در صفحه ۲

گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه میکنند

روزنامه جمهوری اسلامی، سخنگوی تاریک اندیشان و سرکوبگران

ارتجاعی روزنامه جمهوری اسلامی است که چگونه با حماقت تمام اعلامیه‌های سازمان و شاخه تبریز را در مورد عدم شرکت در راهپیمایی لیبرال‌ها و محکوم ساختن اقدامات حزب جمهوری خلق مسلمان و شرکا عمداً نادیده می‌گیرد.

در مقاله "ملت قهرمان و مسلمان ایران" می‌نویسد:

"ولی باز می‌بینیم که دست تبهکار آمریکا از آستین چریکهای فدائی خلق این مزدوران اویسی و پالیزبان بیرون آمده و در مذاکرات صلح کردستان اختلال می‌کنند. مسلمانان مومن به انقلاب و امام را اعدام می‌کنند، پرچم لاله‌الله را آتش می‌زنند و روسری زنان و دختران مسلمان را پاره می‌کنند... و با در مقاله دیگری بنام "نگاتی دربارہ وقایع تبریز" می‌نویسد:

"آن جناح از چریکهای فدائی نیز که علیرغم دانه‌پاشی‌های کینوری هنوز به تودما بیگانگی پدیدماند و در حکم توده‌نقشی‌های سال ۲۹-۲۲ هستند ممکن است بسا دلالی امثال کشاورز به جناح آمریکا یا ائتلافی از هردو ابرقدرت مانند رژیم شاه سابق و رژیم بعث عراق (که آمریکا-روسی است) بپیوندند" شایدی، فریب، دروغ‌پردازی، تحریک، توطئه و جعل خبر و هر آن چیزی که شایسته روزنامه جمهوری اسلامی است در این کلمات موج می‌زند.

در یک مقاله "دست تبهکار آمریکا از آستین چریکهای فدائی خلق بیرون آمده"، در مقاله دیگری کشتار قارتا، بهماران خانه‌های مردم کردستان، جنایات پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی همه و همرا برده‌پوشی می‌کند و تا آنجا که می‌تواند، موهن‌ترین اقدامات ربه فدائیان خلق نسبت می‌دهد.

روزنامه جمهوری اسلامی از جمله شریاتی است که پس از قیام شکوهند بهمن ماه گذشته، یعنی ن ارگان حزب جمهوری اسلامی، سر از دک‌های روزنامه‌فروشی بدر آورد. سیاست این روزنامه، همانند سیاست حزب جمهوری اسلامی بر اساس مبارزه با انقلابیستون کمونیست و در رأس آن سازمان ما تدوین شده است.

جمل اخبار، عوام‌فریبی، دروغ‌پردازی، ایجاد نفاق و دشمنی در صفوف نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست، تلاش مذبحخانه برای بدنام کردن انقلابیون کمونیست و تضعیف مبارزه ضد امپریالیستی-دمکراتیک خلقهای قهرمان ایران از خدمات روزنامه جمهوری اسلامی در طول انتشار آن است.

روزنامه جمهوری اسلامی، تاریک اندیشی، قشری‌گری و واپس‌گراشی را همراه با سیاست‌های سرکوب و خلیفها و زحمتکشان ایران، توأمان تبلیغ می‌کند و از این راه نیز در خدمت منافع طبقه سرمایه‌دار ایران و امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا قرار می‌گیرد.

این روزنامه با تبلیغ جنبه‌های ارتجاعی حاکمیت در جهت تحمیل توده‌ها و تاریک‌اندیشی گام برمی‌دارد و به این منظور خواستهای ترقیخواهانه را مورد استهزاء و انتقاد قرار می‌دهد. عناد و دشمنی نسبت به آنچه که زحمتکشان میهنمان بخاطرش قیام کردند، یکی از شیوه‌های تبلیغاتی این روزنامه است.

سیاست توطئه و تحریک علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که در این روزنامه دنبال می‌شود، خاطر روزنامه‌های آریا مینبری را زنده می‌کند و با همان کلمات، همان مفاهیم و همان ادبیات به‌مخدوش

ساختن چهره انقلابیون کمونیست می‌پردازد.

در شماره‌های اخیر روزنامه جمهوری اسلامی، تحریف حقایق مربوط به وقایع تبریز به‌گونه‌ای بوده است که خدمتگزار روزنامه گردانندگان آنرا به امپریالیسم سرمایه‌داران لیبرال برای خواننده آگاه از اوضاع کنونی روشن می‌سازد. بی‌اطلاعی و جهالت است سیاسی گردانندگان روزنامه آنچنان است که تنها استهزاء مردم را برمی‌انگیزد. از جمله در شماره ۲۶ و ۲۴ آذرماه در رابطه با حوادث تبریز می‌نویسد:

"چهار فدائی خلق و دو عضو سازمان پیگار توسط مردم دستگیر شدند." و فراموش کرده بود که در شماره چهارشنبه ۲۱ آذرماه نوشته است: "در رابطه با حوادث تبریز دو عضو چریکهای فدائی خلق و حزب دمکرات دستگیر شدند." و باز در شماره ۱۹ آذرماه از قول همان حجت‌الاسلام می‌نویسد:

"... اما رفتارندم تبریز با استقبال چشمگیر مردم روبرو شد و نقشه توطئه‌گران جامه عمل نپوشید، لذا دست به حمله دیگری زدند که تصرف رادیو-تلویزیون بود و جالب است که گروه‌های نظیر فدائیان خلق، پیگار، حزب دمکرات از آنان پشتیبانی کردند." ما در مقاله دیگری توضیح خواهیم داد که چگونه حجت‌الاسلام موسوی برای پنهان ساختن چهره ضد مردم‌سنی آیت‌الله‌های طرفدار حزب جمهوری خلق مسلمان و به منظور حیثیت تراشی برای آنان به دروغ و تحریف حقایق می‌پردازد. در اینجا قصد ما بیشتر توضیح مواضع

آرایش نیروها در ...

طبقات و مترقی جلوه دادن جنبه‌های ارتجاعی قانون اساسی علیه مردم وارد معرکه شد.

"حزب توده" در عین حال از گاندیدها تقاضا کرد که به کمکش بشتابند و او را از سردرگمی ناشی از خودداری "آیة الله خمینی" از انتخابات رئیس جمهوری برهانند، "حزب توده" به گاندیدها توصیه کرد برای این منظور برنامه‌های خود را ارائه دهند تا ملاک قضاوت و انتخاب "حزب" قرارگیرد.

با این موضع‌گیری حزب توده ماهیت بورژوازی خود را آشکارتر ساخت، چه از نظر کمونیست‌ها "برنامه‌های احزاب (بورژوازی) غالباً فقط برای خام کردن مردم نوشته می‌شود." از این رو معتقدند "برای اینکه بتوان به ماهیت مبارزه‌جویی (بخوان مبارزانه‌نخباتی کنونی) پی برد، نباید به گفتار باورد داشت بلکه باید تاریخ واقعی احزاب را بررسی نمود. این بررسی نباید آنقدرها در پیرامون آن چیزی باشد که خود احزاب و (شخصیت‌ها) درباره خود می‌گویند بلکه باید در اطراف آن چیزی باشد که این احزاب بدان عمل می‌نمایند و نیز در اطراف این باشد که آنها مسائل مختلف سیاسی را چگونه حل می‌کنند و در اموری که پای منافع حیاتی طبقات مختلف جامعه یعنی ملاکین، سرمایه‌داران، دهقانان، کارگران و غیره به میان می‌آید، چگونه رفتار می‌نمایند."

و ... - لندن، درباره احزاب سیاسی

حمله عناصر مرتجع و مزدور ربه راهپیمائی ضد امپریالیستی دانشجویان و دانش آموزان محکوم می‌کنیم

به دنبال راهپیمائی ضد امپریالیستی از طرف دانشجویان مبارز و دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان پیگار در راه آزادی طبقه کارگر که در روز سه‌شنبه بازده بزرگوار شده بود، وارد بگر چهره عناصر ارتجاعی برای مردم آشکار شد، این راهپیمائی که از دانشگاه تهران آغاز شده بود، پس از طی مسیر خیابان انقلاب، میدان انقلاب، خیابان کارگر، خیابان جمهوری، در مقابل مسجد خدیجهاد مورد یورش وحشیانه عوامل وابسته به محافل سرمایه‌داران لیبرال و

تعدادی از راهپیمان مفسر و شدند. و راهپیمائی خاتمه یافت. شدت یورش وحشیانه عناصر مرتجع و مزدور بگونه‌ای بود که تا ساعتی بعد نیز این درگیری‌ها تا خیابان‌های اطراف نیز کشانده شد.

ما تمامی این توطئه‌ها را محکوم کرده و از تمامی نیروهای مترقی و انقلابیون کمونیست می‌خواهیم که حین شرکت فعالانه در مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها، تمامی این توطئه‌ها را افشاء و محکوم کنند.

جهان بینی برحق تعیین سرنوشت خود در حال فروریختن است. نظام بهره‌کشی و غارتی که بر طبقه سرمایه‌داران ایران که با هزاران رشته با امپریالیسم آمریکا پیوند دارد، متکی است.

بدون شک محاکمه گروگان‌های ارتقا آگاهی مردم ما برای مقابله با امپریالیسم و شناخت عمیق‌تر از دشمنان خود نقش بسیار راهپیمائی دارد. چنین محاکماتی بی‌تردید دست سرمایه‌داران لیبرال و دیگر دوستان و جاسوسان امریکارا که اینک در شورای انقلاب و دیگر مراکز قدرت جاخوش کرده‌اند، باز می‌کند.

بی‌دلیل نیست که علیرغم پشتیبانی وسیع و همه‌جانبه توده‌ها از ادامه افشاکاری‌ها، انبوهی از اسناد خیانت دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا، به لطف شورای انقلاب از توده‌ها پنهان نگه داشته شده و از ادامه افشاکاری‌ها ممانعت می‌شود.

سیاست‌های سازشکارانه شورای انقلاب، هدفی جز ممانعت از رشد آگاهی سیاسی توده‌ها و جلوگیری از گسترش دامنه مبارزات ضد امپریالیستی-دمکراتیک خلقهای قهرمان ما ندارد و تنها هراس آنها از اراده مردم ما، که مصممند حاکمیت خود را مستقر سازند، به نمایش می‌گذارد.

چرا اعضای شورای انقلاب از محاکمه گروگان‌ها طفره می‌روند

سازش با آمریکا و فیصله دادن "مسئله" از سوی این دسته بعمل می‌آید.

عوام‌فریبی است زیرا که مردم ما از همان آغاز، در کشتان از محاکمه گروگان‌ها، نه فقط محاکمه تعدادی افرادی مزدور، بلکه به محاکمه کشیدن سیاست‌های امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بود ماست و با توجه به نقش افشاکران‌های که این محاکمات در بر ملا ساختن دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا دارد، برای این محاکمات تأکید دارند.

از سوی دیگر محاکمه جاسوسان امریکائی در دادگاه‌هایی که قاضی آن میلیون‌ها تن مردم قیام‌کننده میهن ما باشد مورد نظر بوده است. چه محاکمه این جاسوسان در پیشگاه خلقهای قهرمان ایران، بی‌انگرس اعمال اراده مردم ما در سرنوشت سیاسی‌شان است و ضربه بزرگی بر اعتبار پوشالی امپریالیسم جهانی و مشخصاً امپریالیسم امریکاست. مردم ما با این محاکمات در حقیقت می‌خواهند نشان دهند که امپریالیسم نه یک سیاست بلکه یک نظام بهره‌کشی و غارت است که در برابر اراده خلقهای ستم‌دیده

به شورای انقلاب می‌روند. در ملاقاتی به مناسبت عید کریسمس با گروگان‌ها چنین اظهار می‌کنند: "گروگان‌ها در صورتی که خلاصی انجام ندادند باقی می‌مانند، فقط به عنوان شاهد در محاکمات شرکت خواهند کرد."

آیت‌الله خامنه‌ای عضو شورای انقلاب نیز در سخنرانی که روز سه‌شنبه ۱۱ دیماه از رادیو پخش شد، گروگان‌ها را افراد بدبخت و بیچاره‌ای توصیف کرد که "آلت دست دولت آمریکا واقع شده‌اند." آنچه که از تمامی این مصاحبه‌ها برمی‌آید، فرار بر سرانه مسئولین امور از محاکمه گروگان‌ها است. آنها با تبلیغات خود اینطور وانمود می‌کنند که گویا خواست مردم ما، محاکمه چند فرد و فیصله دادن قضا با صدور چند حکم برائت یا محکومیت در دادگاه‌های در بسته شرعی است که آیتک مقامات مسئول حسی را آنرا در دستور خود فرار داده‌اند که عبارت باشد از محاکمه "سیاست دولت آمریکا" این سلیغات اریکسو عوام‌فریبی است و از سوی دیگر برده‌پوشی نمایان سازگارانه و وارویندند جلوه‌های اقداماتی است که برای

صادق قطب‌زاده در مقام وزارت امور خارجه و عضو شورای انقلاب، به کمک سازشکارانی که اکثریت شورای انقلاب را تشکیل می‌دهند، طرحی ریخته‌اند که با تشکیل یک "هیئت منصفه بین‌المللی" محاکمه گروگان‌ها را به محاکمه "دولت آمریکا" تبدیل کنند و شورای قبول دادن این طرح به توده‌های مردم با بوق و کرنا به تبلیغات عوام‌فریبانه پرداختند. مثلاً در رادیو-تلویزیون و روزنامه‌ها چنین وانمود می‌کنند که این گروگان‌ها آلت دست و افراد بیچاره‌ای بیش نیستند و محاکمه آنها به این صورت کاری از پیش نمی‌برد! در جای دیگر مثلاً در مصاحبه‌های از شبکه خبری ای.بی.سی. پخش گردیده گفته شد:

"اگر تصمیمی درباره محاصره اقتصادی ایران گرفته شود، پس اقدامی در این زمینه صورت گیرد ما مسلماً فکر محاکمه عمومی امریکارا کنار خواهیم گذارد و به محاکمه گروگان‌ها خواهیم پرداخت."

علاوه بر سخن‌پراکنی‌های قطب‌زاده که مذاکرات سرایش با "آقا شاهی" وزیر امور خارجه رژیم سرنبریده صباالحق و "والد هاشم" در فرودگاه و دفاع از اس‌مانند امپریالیست‌ها، شانه کوشش‌های او در سازش با امریکاست. آیت‌الله سبحانی در سرنوشت انقلاب در

مصاحبه‌های با خبرنگاران داخلی و خارجی در این مورد چنین اظهار نظر می‌کند:

"وقتی بخواهیم یک سیاستی ربه محاکمه بکشیم، ممکن است ضرورت داشته باشد بعضی از عوامل اجرای آن سیاست هم حداقل به عنوان شاهد در محاکمه حضور یابند." و در مقابل این سؤال که:

"در چه شرایطی امکان دارد گروگان‌ها محاکمه نشوند؟" پاسخ می‌دهد که:

"شما باید به اصل موضوع توجه کنید، اصل موضوع محاکمه سیاست است."

دکتر باهنر، عضو دیگر شورای انقلاب در مصاحبه خود زیر کانه محاکمه گروگان‌ها را از عین بی‌اهمیت قلمداد کرده و می‌گوید:

"هدف اصلی مسئله محاکمه نیست، اگر چنانچه در طریق هدفمان ضرورتی ایجاد کند، محاکمه هم طرح خواهد شد اما اگر چنانچه بتوانیم به هدف‌هایمان از راه‌های دیگر برسیم، راه‌های دیگر را تعقیب می‌کنیم."

آیت‌الله منتظری سیر که مسئول خودشان گاه‌گاهی برای اظهار نظر



گزارشی از مراسم سالروز شهادت زفیق کارگر، فدائی شهید حسن نوروزی

صحبت کرد و گفت: "بانگامی این مشکلات، ما برای تحقق خواسته‌های برجسته مبارزه ادامه خواهیم داد." آنگاه پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران فراتر شد و سپس پیام‌هایی به منظور گرامی‌داشت سالروز شهادت زفیق از سوی کارگران سراسر ایران، راه‌آهن سراسر، صنعت‌جات کارگران سراسر، مولاد اهورا، کارگران حیاط، کسپاس و بافنده سوری خوانده شد. این برنامه در ساعت ۵/۲۰ عدا طهر با سرود اسرناوسال پایان یافت.

به دعوت کارگران پترو راه آهن و به منظور گرامی‌داشت سالروز شهادت زفیق کارگر فدائی شهید حسن نوروزی، مراسم سالروز شهادت زفیق در راه‌آهن سراسر، صنعت‌جات کارگران سراسر، مولاد اهورا، کارگران حیاط، کسپاس و بافنده سوری خوانده شد. این برنامه در ساعت ۵/۲۰ عدا طهر با سرود اسرناوسال پایان یافت.

از مردم قهرمان سندج پشتیبانی کنیم

تحریک آمیز و گسترش نقیض و انتقالات نظامی محیط درگیری و تشنج را تشدید نموده‌اند. این تحریکات در شرایطی صورت می‌گیرد که مبارزه ضد امپریالیستی-دموکراتیک مردم سراسر ایران اوج نوینی یافته و منافع امپریالیسم جنایتکار آمریکا را دچار مخاطره نموده است. مبارزه‌ای که در گسترش و تعمیق هرچه بیشتر خود، به‌سراصلی تأمین حقوق زحمتکشان و خلقهای سراسر ایران و تضمین‌کننده واقعی نهادهای دموکراتیک خواهد بود. بی‌دلیل نیست که گروه وسیعی از نیروهای ضد خلقی از جنبه جمهوری خلق مسلمان شریعت‌مداری تا امرای جنایتکار ارتش و سایر مرتجعین وابسته به امپریالیسم به مقابله با مبارزه ضد امپریالیستی مردم میهنان برخاسته‌اند. ماضی محکوم ساختن سیاست‌های هیئت ویژه دولت که عامل اصلی درگیری‌های موجود می‌باشد، آن دسته از فرصت‌طلبان مزدوری را که بنام دفاع از خلق کرد به درگیریها دامن زده و به دست پاسداران و ارتش بهانه می‌دهند را نیز ششیداد محکوم می‌کنیم. مزدورانی چون سپاه "زرگاری" (رستگاری) و عوامل سرسپردمای چون سرهنگ "علیار" (سکو) هم‌اکنون چنین نقیض خائنانه‌ای را در جنبش خلق کرد بازی می‌کنند. آنها در ارتباط با سیاست‌های تجاوزکارانه رژیم فاشیستی بعث عراق باینهان شدن زیر پوشش دفاع از خلق کرد علیه خلق کرد عمل می‌کنند. خلق کرد با دفاع پیگیر از نیروهای متشکل شده در هیئت نمایندگی همواره حساب جنبش مقاومت راستین خود را از این مزدوران جدا ساخته است. اعتقاد داریم که تنها مذاکره‌ای جدی و صادقانه با هیئت نمایندگی خلق کرد می‌تواند جلو تحریکات مرتجعین وابسته به امپریالیسم را گرفته و صلحی عادلانه در کردستان را برقرار نماید.

بیکار دیگر درجسوات و رویدادهای اخیر کردستان، چهره جنگ‌طلبان آشکار شد و ناتوانی و عدم تمایل هیئت ویژه دولت در شناخت حقایق مربوط به کردستان و هراس آن از صفوف بهم فشرده خلق کرد مصائب تازه ببار آورد. آنچه که در سندج می‌گذرد، بیش از هر چیز نتیجه سیاست‌های نفاق افکنانه و "جنگ طلبانه" و کوتاه بینی‌های سیاسی نمایندگان دولت است. مردم کردستان با شرکت وسیع و هم‌جانانه در راهپیمایی ۱۶ دیماه که به منظور اعتراض به سیاست‌های هیئت ویژه دولت و دفاع از خواسته‌های مردم سندج صورت گرفت، بار دیگر اعلام کرده‌اند که خواهان برقراری "صلحی عادلانه" در کردستان هستند. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و شاخه سازمان در کردستان بار دیگر بر موضع "صلح طلبانه" خلق کرد تأکید کرده و اعلام می‌دارد: همانگونه که در اطلاعیه شماره ۸ هیئت نمایندگی خلق کرد به اطلاع عموم مردم مبارز ایران رسید، در نتیجه سیاست دفع الوقت و نفاق افکنانه هیئت ویژه دولت و عدم برخورد اصولی با خواسته‌های بحق خلق کرد و تحریکات مداوم عوامل جنگ افروز، در روزهای گذشته در نتیجه تیراندازی‌هایی که از جانب سپاه پاسداران در سندج صورت گرفت، چهار نفر شهید و هفت نفر مجروح شدند. مردم مبارز سندج که تاکنون بیشترین بار جنگ تحمیلی را بر دوش کشیده و قربانیان بسیاری داده‌اند بحق خواستار خروج عوامل اصلی درگیری‌های موجود از شهر یعنی سپاه پاسداران و مزدوران وابسته بدانها (جاشها) گشته‌اند. هیئت ویژه دولت علیرغم تعهدات فعلی خود دایر بر خروج پاسداران از کردستان نه تنها تاکنون هیچ اقدامی در این مورد نکرده‌اند بلکه در روزهای اخیر امرای جنایتکار ارتش با دادن اعلامیه‌های

کارگران کارخانه بافکار با مبارزه خود مانع از اخراج دو کارگر مبارز شدند

چندی پیش چند نفر از عوامل مزدور کارفرمای کارخانه بافکار، جلوی در ورودی کارخانه می‌ایستاد تا مانع ورود دو کارگر قدامت تعمیرات به کارخانه شوند. آنها می‌گفتند "این دو نفر علیه انقلاب اسلامی ما نوطه می‌کنند، آنها نماینده ما در مجلس خبرگاران توهین کرده‌اند و...". جریبان از این فرار بود که یکی از این دو کارگر، در یکی از جلسات کارگری کارخانه، پرده از اعمال فریبکارانه تئو چیداز اعضای شورای فرمایشی "و هم چیداز" علی محمد عرب "این به اصطلاح نماینده کارگران در مجلس خبرگاران و نیز کارفرمای کارخانه برداشته بود. کارگر تعمیرات، در این جلسه نشان داده بود که چگونه عده‌ای در درون "شورا" ماموریت دارند که "شورا" را در خدمت منافع کارفرما در آورند. اکثریت کارگران حرفه‌ای او را تأیید کرده بودند و همین امر کارفرما و مزدوران او را هراسان می‌کند تا آنجا که تصمیم می‌گیرند بقول خود "شور و کارگر تعمیرات را از سر خود باز کنند". عوامل مزدور کارفرما که در عین حال عضو انجمن اسلامی اتحادیه سازمان گسترش و توسعه صنایع "سز" هستند، دست به اقدام می‌زنند اما بنا به اعتراض کارگران قسمت تعمیرات روبرو

طبقه سرمایه دار ایران که با هزاران رشته به امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا وابسته است، برای حفظ نظام سرمایه داری با تمام قوا می‌کوشد تا از گسترش آگاهی طبقاتی در میان کارگران جلوگیری کند. آنها مانع تشکیل شوراهای واقعی کارگران می‌شوند و با انواع نوطه‌ها و دسپم‌چینی‌ها کارگران را به جان یکدیگر می‌اندازند و کارگران مبارزی را که در راه تأمین منافع طبقه خود و بالا بردن آگاهی کارگران مبارزه می‌کنند از کارخانه‌ها اخراج می‌کنند. طبقه کارگر در مبارزه سرمایه داری به تشکیلات و سازمان خاص خود نیاز دارد و کارگران آگاه همواره می‌کوشند تا با ارتقاء سطح آگاهی توده کارگران، صفوف آنها را هرچه بیشتر متشکل سازند و در مقابل زورگویی و بهره‌کشی سرمایه داران مبارزه‌ای سخت و بی‌امان را برپا دارند. به همین دلیل است که سرمایه داران هیچگاه تاب تحمل کارگران آگاه و مبارزی را که از منافع کارگران دفاع می‌کنند، ندارند. خبر زیر یکی از هزاران نمونه‌ای است که هر روز در کارخانه‌های میهن ما اتفاق می‌افتد و حاکی از تلاش سرمایه داران برای اخراج اینگونه کارگران است.

شورای کارگران کارخانه آجر ایران پرس، در راه کسب حقوق کارگران مبارزه می‌کنند

۱- دریافت اضافه حقوق پرس ۵۰۱۰ تا ۷۵۰۰ ریال
۲- دریافت تعدیلات اضافه حقوق و اضافه کاری بر مبنای حقوق جدید
۳- دریافت وام بدون بهره
۴- دریافت سهمیه‌ای از آجر با شرایط آسان جهت خانه سازی و تعمیرات

شورای انتخابی کارخانه آجر ایران پرس که از پشتیبانی تمامی کارگران کارخانه برخوردار است تا کنون توانسته است مبارزات کارگران را در جهت احقاق حقوق صنفی خود بدرستی هدایت کرده و به حقوق زیر دست یابد:
۱- دریافت سود ویژه معادل ۳ ماه حقوق بطور علی الحساب

در کارخانه چیت ری

کارگران برای گرفتن حقوق حقه خود مبارزه می‌کنند

که نوشتاری نگیرید. یکی از کارگران در جواب به نماینده "شورای فرمایشی" گفته بود: "اگر در هیئت شب کارکنیم علاوه بر نوشتاری باید حق شیکاری هم به ما بدهید. این مسئله ربطی به شیکاری ندارد." اعتراض یکپارچه و متحد کارگران نمایندگان "شورای فرمایشی" را وادار می‌کند که با این مسئله ظاهراً موافقت کنند. آنها از کارگران می‌خواهند که از سرپرست سالن‌ها لیست کسانی را که حق نوشتاری می‌گیرند، جمع آوری کرده و به شورا بدهند تا آنها در این مورد اقدام کنند و به آنها "قول" می‌دهند که تا تاریخ ۱۰ آذر ۵۸ حق نوشتاری به آنها پرداخت خواهد شد. در تاریخ فوق همه کارگران می‌باید که از حق نوشتاری خسری بی‌نود دوباره جمع شده

سرمایه داران، کارگران را به پیر و جوان، سابقه دار و کم سابقه تقسیم می‌کنند. به عده‌ای از آنها مزایا می‌دهند و به عده‌ای نمی‌دهند آنها را به فارس و ترک، شیعه و سنی و مسلمان و کمونیست تقسیم می‌کنند. در کارخانه چیت ری به عده‌ای از کارگران کم سابقه که عده آنها به ۲۰۰ نفر می‌رسد، با اینکه در دو شعبه صبح و عصر کار می‌کنند، حق نوشتاری تعلق نمی‌گیرد. در تاریخ ۱۰ مهر ۵۸ عده‌ای از "شورای فرمایشی" کارخانه که از منافع کارفرما دفاع می‌کنند، به کارگران مراجعه می‌کنند. یکی از اعضای "شورای فرمایشی" در پاسخ این سؤال کارگران که: "چرا به ما حق نوشتاری تعلق نمی‌گیرد؟" می‌گوید: "چون شما در هیئت شب کار نمی‌کنید بنابراین طبیعی است

پشتیبانی از هیئت نمایندگی خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است

فتنگران مبارز حفاری و مبارزات پیگیر آنان تحصن کارگران حفاری و خدمات جنبی

قسمت آخر

کارگران سخن می گویند:

اتحاد نداریم...

راننده واحد اعتقاد داشت که با تعیین رئیس جمهور بالاخره وضع مشخص می شود و می گفت که:

"بابا، کارگر حق خودشو نمیدونه و ما باید ۸ ساعت کار کنیم و ۲ ساعت هم برای آمدن و رفتن از خانه به سر کار در راهیم و دیگر فرصت نداریم که به سندیکا بریم ناچیزانی یاد بگیریم." و در آخر ایستگاه که مسافران پیاده شدند، می گفت:

"نماینده ما را به اسم رازانی، سه ماه است که گرفتارند و هر کار کردیم، نتوانستیم آزادش کنیم و تازه یک روز ما جلوی آیت الله منتظری را گرفتیم تا بالاخره نتوانستیم برای زن و بچه اش ملاقات هفته ای یک بار بگیریم." و می گفت:

"نماینده مان خیلی آدم روشن و خوبی بود به راحتی از پس شهردار و مدیرعامل وغیره برمی آمد و از حق کارگران خوب دفاع می کرد. سه ماه پیش که ما اضافه حقوق می خواستیم، خواسته هایمان نصفش را دادند و بعد نماینده را بعنوان اخلالگر گرفتند." و بعد در جواب من که به او می گفتم "او بخاطر شما زندان رفته و از حق شما دفاع می کرد، شما حالا باید از او حمایت کنید"، گفت:

"بابا، اتحاد نداریم. تازه اگر یک روز هم اعتصاب کنیم به ما می کن اخلالگر و ضدانقلاب." و ذرا آخر می گفت:

"به نماینده در زندان گفته اند تو از شرکت واحد استعفا بده و آن را اینجا بنویس تا ما از زندان آزادت کنیم. ولی نماینده قبول نکرده و می گفت که من ۱۶ یا ۱۷ ساله شرکت واحد است که اسفنا نمیدهم." کارگر مزبور می گفت "الان وضعیتی است که هر نماینده ای که بخواهد از حقوق کارگر دفاع کند به او ملکه اخلالگر و ضد انقلاب چسبانده و دستگیرش می کنند و در ضمن سعی می کنن بین کارگران دو دستی بپنندازند."

سندیکای مستقل کارگران خیاط تهران و حومه:

آمریکا بداند، که مبارزات ما تا نابودی

نظامی وابستگی های امپریالیستی ادا به خواهد داشت

سندیکای کارگران سری دور و شخصی دوز، پیراهن عروسی، جگانه، امپری، رنانه و برداشته خیاط، طی اطلاعیه ای در محاکمه جاسوسان امریکایی سیاسی کرد و اعلام داشت:

"امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم امریکایی است که عمده با جیپول و عارسایران منطقه ابتدای نظامی، سیاسی، فرهنگی را برانحتمل کرده و با کناردن بوکرخلادی چون شاه حاش بر ایران و ایجاد ساواک و ارتش حامی خون دهبهارا هموطن مارا در زندان های محوف و حبایان ها و مبادین شهرهای ایران ریخته است. اکنون که خلفهای بیخاسته ما بواسطه این مبارزات پیگیر عالیهای احیرشاه و دار و دسته اش را سرکون سازند و مبارزات مردم ما وارد مرحله نوبین صمد امپریالیستی ان می شود. امریکا این خدادحبهایی که جنگلس به خون میلیون ها نفر درجهایان انون داشت. نا اینکه خلفهای ویسیام نکولا، کره، کوما، سکارا کوشه و ملطن بوزنه اش را پچاک مالده اند

سندیکای کارگران سری دور و شخصی دوز، پیراهن عروسی، جگانه، امپری، رنانه و برداشته خیاط، طی اطلاعیه ای در محاکمه جاسوسان امریکایی سیاسی کرد و اعلام داشت:

"امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم امریکایی است که عمده با جیپول و عارسایران منطقه ابتدای نظامی، سیاسی، فرهنگی را برانحتمل کرده و با کناردن بوکرخلادی چون شاه حاش بر ایران و ایجاد ساواک و ارتش حامی خون دهبهارا هموطن مارا در زندان های محوف و حبایان ها و مبادین شهرهای ایران ریخته است. اکنون که خلفهای بیخاسته ما بواسطه این مبارزات پیگیر عالیهای احیرشاه و دار و دسته اش را سرکون سازند و مبارزات مردم ما وارد مرحله نوبین صمد امپریالیستی ان می شود. امریکا این خدادحبهایی که جنگلس به خون میلیون ها نفر درجهایان انون داشت. نا اینکه خلفهای ویسیام نکولا، کره، کوما، سکارا کوشه و ملطن بوزنه اش را پچاک مالده اند

مرکزی و بیرون کردن کارگران صنعت نفت از این اداره، زمینه را برای اجرای نوطه هایی که ارتجاع و عوامل امپریالیسم در سر می پروراندند، فراهم سازند. ولی کارگران در برابر همه این سیرکها و دسه ها، هوسارانه و دلورانه مقاومت کردند. شورای انقلاب و دولت مرکزی که مارهم از کسرس مارره در مان معگران به وحشت افشاده بود گامی دیگر عقب نشست و مهندوی را در رأس هشتی دوباره به اهواز فرستاد. هشت با ورود به اهواز، از یک سو سبهاد سکس تحصن را برای آغاز مذاکرات نمود و از سوی دیگر دست به نوطه های غرقه افکانه زد. کارگران از همان ابتدای ورود هشت و سر اناس بحریات خود، نسبت به هرکوبه مذاکره با این هشت بدین بودند. بالاخره هشت قبول کرد که کلت کارگران را به استخدام شرکت ملی حفاری نفت ایران و با شرکت ملی نفت ایران در آورد. پس از این قول، کانون شوراهای فطعمای صادر و در آن تاکید کرد که تحصن را با قبول قول هشت میسر برانخدام کلت کارگران خواهد سکت ولی کارگران همچنان به مبارزات صد امپریالیستی خود تا رسیدن به کلتی حواتهای خود و دیگر رحمکسان ایران، ادامه خواهد داد و برای استخدام کلت کارگران با اول دی ماه مهلت داد. با این شرط که کلت حقوق دوران بیکاری کارگران تا آن زمان به آنان پرداخت شود در عین حال این صورت تحصن از روزی اول ذی ماه دوباره آغاز خواهد شد به این ترتیب تحصن کارگران حفاری و خدمات حسی پس از ۱۵ روز در تاریخ ۲۷ آذرماه پایان یافت. از همان روز مراحل معدمانی استخدام آنان در شرکت ملی حفاری و شرکت ملی نفت آغاز شد.

طبقی کارگران را با خود داشت سرمایه داری عامل بیکاری است. بیکاری عامل هر فساد است. آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند. سرمایه های امریکائی ملی باید گردن نه بازوی هر کارگر ستون انقلاب است. بیکاری کارگر شکست انقلاب است. کار، کار، کار، این است شعار بیکار تا نابودی کامل امپریالیسم از پای نمی نشینیم. آمریکا پوتالی است، ویندم گواهی است. مرگ بر دیو هزار سر امپریالیسم. مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا و نوکراسی و... در تمام طول تحصن کارگران برای شان دادن نظم دیگری طبقی خود به عنوان باحسی دندان سکن به آنان که از یک سو کارگران را صداعلای می خواندند و از سوی دیگر در میان معگران نامعانی برعنه کارگران یحس می کردند، بطور بکنارچه و نامعانی ساسه، در کنار کانون شوراهای خود به تحصن ادامه می دادند و برای سازماندهی تحصن از میان خود کمیته های مختلفی از قبیل کمیته تبلیغات کمیته انظامات، کمیته مذاکرات تشکیل دادند و به بحث های گروهی در تازه مسائل طبقه خود، عملکردهای امپریالیسم به ویژه در ارتباط با صنعت نفت راههای مبارزه با امپریالیسم می پرداختند.

کارگران پیشرو صنعت نفت جنوب نیز با دادن تراکت ها و اعلامیه های مسمی بر حمایت از کارگران حفاری و افشاگری نوطه های صد انقلاب و... هم رزمان خود را در این مبارزه جاری می دادند. از آن سو سرچورد شورای انقلاب طبق معمول مذاکراتی بود. شورای انقلاب جمهوری اسلامی در پاسخ حوات های کارگران، آنان را صد انقلاب خواند. رسانه های گروهی و بوزنه هزاران کارگر حفاری، با آن همه اهمیت در بعضی مبارزات صد امپریالیستی خلق های ایران، دست به نوطه سکوت زدند. عناصر خود فروخته ای که در مان کارگران بودند، در حقیقت با فرار گرفتن در صف امپریالیسم و ارتجاع به طبع خود حیانت می کردند و همجنس عوامل ارتجاع از بیرون تحصن معنی در سکن آن داشتند. کیساوش که از ماموریت مجلس خبرگان به ترکی برگشته بود در سکت حیرانی حرکتی در اهواز کارگران حفاری را صد انقلاب خواند و سعی کرد که با حیانت خود، نوطه حقه عوامل اصلاح ارتجاعی را به کارگران - که خود در بزرگ آن بودند - حوضه حنود دهد. عناصر حاشیه سرف طبقی ضعف کارگر نمی گریختند و سرگردن حریات خود و سزاگدن نامعانی می سرچورد کارگران به رمان کارمندان

بدنیال بی بردن به بودگی مذاکرات با هشت اعزامی، کارگران حفاری و خدمات حسی در تاریخ ۱۴ آبان ماه در اداره مرکزی صنعت نفت مناطق نفتخیز در اهواز اجتماع کرده و خواسته های خود را جنس مطرح کردند:

حلوقری از حروج و سایل...
تاسیس سرب ملی حفاری نفت ایران، اسخدام کارگران اجراحی در این شرکت و در شرکت ملی نفت ایران و پرداخت سوانی کار، حصوصت افشاده و دسمر رمان سکاری به کارگران با ساسس شرکت ملی حفاری، آنان ضمن درخواست سیاسی از معگران برای گرفتن پاسخ مثبت در اجرای حواسپاشان، به دولت سکت هغه مهلت دادند و تا کلت کردید که در صورت وفاداری و نوطه عوامل امپریالیسم، روز ۲۷ آبان ماه به تحصن با محدودیت در اداره مرکزی خواهد نشست. در این میان حبیب الاسلام اشرفی که برای "رسیدگی به مسائل صنعت نفت جنوب" به اهواز آمده بود، در اجتماع کارگران در مقابل اداره مرکزی در تاریخ ۲۲ آبان ماه به آسان قول داد که اگر تا روز پنجشنبه ۲۴ آبان ماه، به خواسته های کارگران رسیدگی نشود، خود او نیز به تحصن آنان خواهد پیوست. با همه این قول و قرارها عکس العمل دولت و عوامل امپریالیسم و ارتجاع همچنان به وقت گذرانی و تفرقه افکنی در میان کارگران محدود می شد. تا بر این کارگران از نامداد روز یکشنبه ۲۷ آبان ماه در اداره مرکزی صنعت نفت اهواز اجتماع کرده و دست به تحصن با محدودیت زدند. آغاز تحصن کارگران حفاری همزمان با اعلامیه شورای انقلاب جمهوری اسلامی در تحریم هرکوبه تحصن، راهپیمایی و حمص اعزامی و ردن برجسته صد انقلاب به کارگران ولی این اعلامیه در کارگران حفاری که به خاطر حفسوی باطل شده خود و دیگر حکمتکشان بر عنه امپریالیسم مبارزه می کردند و دیگر صد انقلاب را از انقلابی بار ساخته بودند هیچگونه پاسری نداشت. از بوسه های بارجهای که کارگران در همان روز بحث تحصن به سر در اداره مرکزی آویختند یکی حاول قول اعترافی در بیوسن به تحصن آنان نمود. روز ۲۹ آبان، کارکنان شرکت حفاری سدگو، که در ارتباط با اادامه عملیات حفاری و مدت فرار داد سرکسان هوز بیکار شده بودند، بطور یک نازحه به تحصن نوسند. کفص ساراها که از سوی کارگران به صورت بوسه و حه با فریادهای جمعی مطرح می شد هرروز بالا سر می رفت و ساهه های رند آگاهی

پیروز با مبارزات ضد امپریالیستی طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران

باشکرت در انتخابات ریاست جمهوری صف نیروهای مترقی را تقویت و لیبرال ها را منفرد کنیم

دانشجویان، طلاب و روحانیان صد امپریالیست و همه خلقهای تحت ستم ایران از یک سو و امپریالیسم سرمایه داران و زمین داران وابسته به آن از سوی دیگر جریان دارد.

۳ - در شرایط کنونی سرمایه داران لیبرال (مشروطه خواه) پرچم دفاع از امپریالیسم را در دست دارند و می کوشند تا با هر چه

احادی از نیروهای انقلابی رادیکال در برابر دیگر نیروها به حرکت در آوریم.

باید ماهیت و اهداف حرکت این نیروها را به نوده ها بشناسانیم و بگوئیم تا در جمع نیروهای انقلابی و دزست گیری این نیروها خط پرولتاریا نقش تعیین کننده و رهبری کننده نباید ما به با امید پیروزی کاندیدای مورد پشتیبانی خود بلکه ما تاکید بر ایجاد صفی از نیروهای انقلابی رادیکال در برابر دیگر صفوف. با تاکید بر افشای کاندیداهای صدکارگر با استفاده از سمت گیری این صف ترقی خواه و رادیکال با تاکید بر بالا بردن آگاهی توده در مورد مسئله انتخابات و اشکال ضروری مبارزه علیه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته و با تاکید بر ضرورت تأمین رهبری طبقه کارگر از طریق هدایت عملی مبارزه توده ها در انتخابات شرکت می نمائیم و بر همین مبنا از "مسعود رجوی" کاندیدای سازمان معاهدین خلق ایران پشتیبانی می نمائیم.

وحدت و یکپارچگی و آگاهی میلیون ها زحمتکش مبارز ایرانی است که سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته را نابود می کنند و ایران آزاد و دمکراتیک فردا را بنا می نهند.

دست دارند و می کوشند تا با هر چه توده ها و بهره گیری از گرایش های ارتجاعی جاری در حاکمیت به پوخته های خود عنوان آزاد بخوای بدهند لذا همچنانکه هدف عمده بر انداختن سلطه امپریالیسم و سرمایه داری تمام وابسته است جهت اصلی مبارزه در این مقطع باید متوجه جنبه سرمایه داران لیبرال (مشروطه خواه) باشد که اکنون با حمایت بقایای انحصارات وابسته و امپریالیسم آمریکا می کوشند با هر چه رود تر قدرت را به دست گیرند و بطور همه جانبه به سرکوب برده ها بپردازند.

همه نیروهای انقلابی متحدان و با تمام قوا و پیش از آنکه این مزدوران امپریالیسم فرصت بهره گیری از امکانات خود را بیابند، باید آنها را برای همیشه درهم بکوبند و سلطه امپریالیسم را نابود سازند.

۴ - نیروهای انقلابی باید گرایش های ارتجاعی و قشری جاری در حاکمیت را افشا نموده و بدان بطور پیگیر مبارزه کنند. لیکن عمده کردن این گرایش ها و تعمیم دادن آن به همه خرده بورژوازی نادرست بوده و تأثیر آن انحراقی بر روند درست جنبش پر حاکمیت می گذارد.

۵ - در مبارزه صدامپریالیستی - دمکراتیک میهن ما، هرگونه گرایشی که اتحاد با طبقه کارگر را نهد، گرایشی ارتجاعی بوده و در نهایت به اتحاد با سرمایه داری و سازش با امپریالیسم می انجامد. لذا با چنین گرایش هایی در نمایندگان دیگر نیروهای خلقی باید مبارزه نمود و همه نیروهای خلقی را در جهت همگامی و همکاری هر چه بیشتری برای بر انداختن سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته هدایت نمود.

گسترده یاد همگامی و همکاری همه نیروهای که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

میدان بردی است که میان خلق ما امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و بایگانه داخلی آن یعنی طبقه سرمایه داران وابسته ایران در جریان است و مسلم است که انقلابیون کمونیست نمی توانند و نباید بدون توجه به وضعیت مبارزه طبقاتی، صفتی

ریاست جمهوری خود کوشش های میدان بردی است که میان خلق ما امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و بایگانه داخلی آن یعنی طبقه سرمایه داران وابسته ایران در جریان است و مسلم است که انقلابیون کمونیست نمی توانند و نباید بدون توجه به وضعیت مبارزه طبقاتی، صفتی

خواهانی که برای برگرداندن وضعیت پیشین با تمام نیرو و نبرتنک وارد میدان شده اند، توسط نمایندگان خود در مجلس خبرگان کوشیدند تا قانونی مطابق مبطل خود پیش فراهم آورند و هر چند که نتوانستند به مطلوب خود دست پیدا کنند، اما موفق شدند تا در پارهای موارد حرف خود را به کرسی بنشانند.

بنابراین تعجب آور نیست اگر قانون اساسی برای سرمایه داران لیبرال (بخوان مشروطه خواه) یعنی برای دشمنانی که هم اکنون در سنگر مقابل خلق با تمام قوا به جنگ مشغولند، راههای صعود به قدرت باز گذاشته و طبقه کارگر، یعنی رزمندترین و آشتی ناپذیرترین دشمن امپریالیسم و سرمایه داری را از همه حقوق محروم کرده باشد.

این قانون ماده به ماده در برابر انقلابی ترین نیروهای خلق مانع ایجاد کرده و در همان حال سنگر گرایش های ارتجاعی را تقویت کرده است.

همان می دانند که ما به قانون اساسی جمهوری اسلامی رأی ندادیم زیرا این قانون راه را بر استثمار و غارت خلق باز می گذاشت. ما قانون اساسی را تأیید نکردیم زیرا این قانون در اعزاز به ریاست جمهوری اسلامی برای مثال مدنی ها که هنوز هم داغ تنگ تاج شاه به پیشانی همتان باقی است، صلاحیت ریاست جمهوری را به رسمیت می شناسد ولی برای انقلابیون کمونیست که در سراسر دنیا و در تمام تاریخ معاصر همواره تنها مدافع راستین طبقه کارگر و دیگر مردم زحمتکش بودمانند، حق شرکت در انتخابات ریاست جمهوری را سلب کرده است.

ما به قانون اساسی رأی ندادیم زیرا این قانون سرمایه داری از آن خواست های حداقلی را که مردم به خاطر به دست آوردن آنها قیام کردند، نادیده گرفته ولی در عوض راه را برای تحقق خواست های طبقه سرمایه داران ایران که با هزاران رشته به امپریالیسم وابسته است، همچنان باز و هموار گذارده است.

گذشته از این آشکارترین تناقض قانون اساسی همین است که از یکسو اصل "ولایت فقیه" را مبنا قرار می دهد و از سوی دیگر سیستم حکومتی را جمهوری معرفی نموده و نوعی انتخابات را در این رابطه تجویز می نماید.

امروز بنا بر آنچه که پیش بینی می شد، تضادها و اختلافات بین دو جناح جمهوری اسلامی کسبه نمایندگان طبقات متضادی در جامعه هستند، روز به روز عمیق تر می شود و مطابق آنچه که مشاهده می کنیم، جناح سرمایه داران لیبرال دست در دست امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا خواهان حفظ و تحکیم همان نظام وابسته به امپریالیسم است و جناح خرده بورژوازی، همان جناحی که از مرکز جاسوسی آمریکا نظرات خود را انتشار می دهد، خواهان ادامه مبارزه با آمریکا است.

به اعتقاد ما، مبارزه انتخاباتی

همانگونه که راه اصلی و درست سرنگون کردن شاه و نظام شاهنشاهی انتخابات نبود، اکنون نیز این انتخابات ریاست جمهوری نیست که امپریالیسم آمریکا را از ایران بیرون می کند.

میدان فرساده ما با شعارهای فریبده راه خود را به سوی قدرت باز نماید. این نمایندگان هر یک به نفع طبقه خود می کوشند تا دم از خوانند بوده ها و احیاناً طبقه کارگر برسد و از این طریق نیروی هر چه بیشتر حین دستیابی به هدف جمع نمایند. اکنون در حالیکه حتی سرمایه داری وابسته با صف مستقل خود!! شمار مدنی و انقلابی را به میدان فرساده و با آن خیال که سیاسی به کرسی ریاست جمهوری چیزی ماسد نموده اند، سرگردان می گویند تا هر چه بیشتر سردرگم فریب دهد، طبقه کارگر حتی معرفی کاندیدای خود سر محروم می باشد. طبقه کارگر در اساس چنین گمائی ندارد که نا اشناخت و آرزوی او امپریالیسم و سرمایه داری وابسته را شکست داد. لیکن طبقه کارگر در چنین حال تردید ندارد که افشا و مقابله با کاندیداهای حسم به کرسی مسدود

نیروها و بدون توجه به وظایفی که در قبال جنبش خلق دارند، از شرکت در انتخابات خود داری کنند. انگیزه کمونیست ها در اتحاد هر شیوه عملی باید آگاهی دادن به توده، سازماندهی نیروها، تأمین رهبری طبقه کارگر و پیشبرد مبارزه صدامپریالیستی - دمکراتیک باشد. ما از هم اکنون اعلام می کنیم که اگر چه جنبش عظیمی از توده ها، طبیعتاً اسطوار دارند که با انتخاب رئیس جمهور مورد اعتقاد خود مانع بر یاد روبرو خون شهیدان و آمال و آرزوهای حلقه های مهربان ما شوند. اما وقتی دشمن به عدم قاطعیت و زرنسول روحانیت در برخورد با لیبرال ها متکی است و با تکیه بر پول و سلاح و امکانات مالی و مادی خود و سایر بهره گیری از نا آگاهی بخشی از توده ها به میدان می آید و پنهان و آشکار علیه حلقه های ماسیح شده و برای شکست جنبش صدامپریالیستی.

انگیزه کمونیست ها در اتخاذ هر شیوه عملی باید آگاهی دادن به توده ها، سازماندهی نیروها و تأمین رهبری طبقه کارگر و پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک تا پیروزی نهائی باشد.

دشمن آشتی ناپذیر همه حلقه های حبان است. امپریالیسم دشمنی نیست که تنها از خارج ما را تهدید کند، بلکه سلطه امپریالیسم در میهن ما از طریق استکباری اقتصادی و توسط سرمایه داران وابسته اعمال می گردد لذا ما امپریالیسم را در سیستم سرمایه داری وابسته و در هیئت نمایندگان سرمایه داری وابسته، به برده ها نشان می دهیم.

۲ - بنابراین مبارزه علیه سلطه امپریالیسم، مبارزه ای است علیه سیستم سرمایه داری وابسته و علیه طبقه سرمایه دار ایران که با هزاران رشته نا اشناختات امپریالیستی پیوند دارد و این مبارزه ای طبقاتی بوده و بصورت مبارزه ای آشتی ناپذیر میان طبقه کارگر دهقانان، کسبه و پیشه وران، کارمندان و روشنفکران، دانش آموزان و

دو جنبه سرمایه داران ایران در این حال عرصه دیگری از مبارزه صدامپریالیستی و ضد سرمایه داری است. ما توجه به چنین مسائلی است که وظائف کمونیست ها مشخص می گردد. هواداران طبقه کارگر در چنین موقعیتی نمی توانند این عرصه مبارزاتی را رها کرده و توده ها را به حال خود بگذارند.

ما باید در حرکت توده ها شرکت کنیم. تا یکبار بر میسه های توده ای مبارزه راست دهم، سبب دادن مبارز. فاطمه و علاءه به افشا، جبهه ها و نیروهای مدعی ریاست جمهوری بپردازیم و اهداف واقعی آنها را به توده ها توضیح دهیم و در این راه همه نیروهای رادیکال و انقلابی و مترقی را به شرکت در انتخابات دعوت کنیم و

دمکراتیک میهن ما به هر جنبه ای دست می زند، با انتخاب یک رئیس جمهور کمتر کاری بین می رود. همانگونه که راه اصلی و درست سرنگون کردن شاه و نظام شاهنشاهی انتخابات نبود، اکنون نیز این انتخابات ریاست جمهوری نیست که امپریالیسم آمریکا را از ایران بیرون می کند. این وحدت و یکپارچگی و آگاهی میلیون ها زحمتکش مبارز ایرانی است که سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته را نابود می کند و ایران آزاد و دمکراتیک فردا را بنا می نهد. تنها عزم و اراده و آگاهی و رهبری طبقه کارگر و همراهی و همگامی و پشتیبانی دیگر اقشار خلق از مبارزات آن است که دشمن را در عرصه بیکارهای بی امید و مهر آرزو پای در می آورد.

آچه مبنای اصلی شیوه های عملی ما واقع می گردد، سمت گیری

مردم میهن ما تا قطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

راه رشد غیر سرمایه داری و "حزب توده"

راه رشد غیر سرمایه داری حزب توده همان راه رشد سرمایه داری وابسته است

"دبالکتیک تاریخ چنان است که پیروزی مارکسیسم در رشته تئوری، دشمنان او را وادار می کند که به لباس مارکسیست درآیند"
لنین - مقدرات تاریخی

یکی از تجدید نظرهای اساسی که توسط رویزیونیست ها در اصول مسلم مارکسیسم - لنینیسم صورت گرفته و تاکنون ضربات بزرگی به جنبش کارگری جهانی وارد ساخته است، تحریف اصول لنینیسم در انقلاب دمکراتیک است که امروز تحت عنوان "راه رشد غیر سرمایه داری" تبلیغ می شود. رویزیونیست ها به ویژه پس از کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری سال ۱۹۵۷ با دستاویز کردن نظریه "راه رشد غیر سرمایه داری" کوشیده اند مفهوم صف مستقل پرولتاریا را در گون جلوداده و همزبانی پرولتاریا را در انقلاب های دمکراتیک نفی کند و بدینسان جنبش های کارگری و جنبش های دمکراتیک جهان را به شکست بکشاند. از این روست که شناخت نظرات رویزیونیست ها در مورد "راه رشد غیر سرمایه داری" برای جنبش کمونیستی جهانی امروز از اهمیت زیادی برخوردار است.

می گوید: "اصولا هیچگونه سوسیالیستی وجود ندارد...". او در مورد حزبی که سونیات سن در راس آن قرار دارد، چنین می گوید: "رهبر این حزب دکتر سونیات سن به خصوص به تنظیم نقشه شبکه راه آهن پهناوری مشغول است (برای اطلاع نارودنیکهای روسی: سونیات سن این اقدام را به خاطر آن انجام می دهد که چنین سرنوشت سرمایه داری را دور بزند!)". می بینیم که لنین چگونه سوسیالیسم نخلی، دمکراتیک، انقلابی را به باد استهزا می گیرد و چگونه ماهیت بورژوازی عملکردهای اقتصادی آن را تحت نام های سوسیالیسم و دوزدن سرمایه داری افشاء می کند و نشان می دهد که حتی رادیکال ترین دمکراتهای انقلابی نیز نمی توانند "راه رشد غیر سرمایه داری" را رهبری کنند. در پایان مقاله لنین نتیجه درخشان خود را به این صورت بیان می دارد:

"آزادی چین را اتحاد دمکراسی دهقانی و بورژوازی لیبرال بسنه دست آورده است. آیا دهقانانی که حزب پرولتاریا رهبریشان نمی کند، خواهند توانست مواضع دمکراتیک خود را علیه لیبرالهایی که فقط منتظر فرصت مناسب هستند تا به سمت راست بجهت، حفظ کنند؟"

رهبری به دست کمونیستها و پرولتاریا باشد این جوامع می توانند میان برزده و بدون گذشتن از مرحله سرمایه داری به سوسیالیسم برسند. لنین در گزارش کمیسیون مسایل ملی و مستعمراتی در کنگره دوم کمینترن چنین می گوید: "طرح مسئله به این شکل بود: آیا ما می توانیم این ادعا را صحیح بشماریم که مرحله سرمایه داری تکامل اقتصادی، برای آن ملتهای عقب افتاده که اکنون آزاد می شوند و در میان آنها اکنون پس از جنگ، جنبش در راه ترقی مشاهده می گردد اجتناب ناپذیر است؟ مابا ایسن

برانگیخت. " حال بینیم که مسئله رهبری پرولتاریا در کشورهای که روابط ماقبل سرمایه داری بر آن حاکم است و با حتی مسئله "تفکر مستقل سیاسی" توده ها که برای رهائی کامل کشورهای تحت سلطه چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی و طی مراحل تکامل بدون گذار از سرمایه داری نقشی تعیین کننده دارد، چگونه تحریف، و این نقش تاریخی پرولتری و ایدئولوژی مارکسیست - لنینیستی چگونه از جانب دشمنان مارکسیسم - لنینیسم خدشه دار می شود.

« رویزیونیست ها با دستاویز کردن نظریه "راه رشد غیر سرمایه داری" می کوشند مفهوم صف مستقل پرولتاریا را در گون جلوداده و رهبری طبقه کارگر را در انقلاب های دمکراتیک نفی کنند.

پرش پاسخ منفی دادیم. لنین این سخنان را در برابر آن عقاید اگونومیستی و واپسگرایانه ای اظهار می دارد که معتقد بودند جوامع فئودالی و پیش از سرمایه داری حتی باید از سرمایه داری بگذرند تا سوسیالیسم برسند. در مورد تاکید رهبری در جوامع عقب افتاده کار سرد ناکند. این گزارش آمده است: "کار عمده ای که کمونیست های روس در مستعمرات که با ما قریب به تعلق داشت در کشورهای عقب

خرده بورژوا می دانند. یکی از انحراف های اساسی دیگر رویزیونیست ها با نظریات لنین آن است که رهبر بزرگ پرولتاریای جهان راه رشد غیر سرمایه داری را به رهبری کمونیست ها، برای جوامع فئودالی و پیش از سرمایه داری ارائه می داد و مشخصا این راه را برای تسریع تکامل جوامع عقب مانده طرح می کرد. اما رویزیونیست ها راه رشد غیر سرمایه داری به رهبری خرده بورژوازی را برای جوامع سرمایه داری که صد ها هزار پرولتاریای صنعتی دارد نیز تجویز می کنند که این خود تلاشی است برای متوقف ساختن تاریخ و جلوگیری از تکامل جوامع عقب مانده. این دشمنی با مارکسیسم - لنینیسم است. این تحریف بی شرمانه عقاید درخشان لنینی است. در مین ما پرچمدار این عقاید رویزیونیستی "حزب توده" است.

در نشریه تئوریک و سیاسی "به سوی حزب" وابسته به "حزب توده" مقاله ای تحت عنوان "راه رشد غیر سرمایه داری" آمده است که در آن طی تشریح "مفهوم لنینی" راه رشد غیر سرمایه داری بر کشورهای آسیایی و آفریقایی که به راه رشد غیر سرمایه داری وارد شده اند تاکید شده است. این نشریه چنین می نویسد: "رهبری رشد غیر سرمایه داری این کشورها را نیروهای دمکراسی انقلابی طی برعهده دارند که در یک رشته از مسایل اساسی به مواضع سوسیالیسم علمی نزدیک می شوند. در همین نشریه از قبول اولیانفسکی چنین آمده است: "نظریه مارکسیستی این رشد (منظور رشد راه غیر سرمایه داری) بر آن است که نیروهای سیاسی کشورهای آسیایی که راه رشد غیر سرمایه داری را برگزیده اند به سوی سوسیالیسم سمت گیری می کنند. رهبری انجام دگرگونی های

غیر سرمایه داری را دموکرات های انقلابی طی که معمولا دارای منشأ خرده بورژوازی رادیکال هستند، برعهده دارند. آنها از ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم بطور کامل تبعیت نمی کنند. حال باید گفت که این انقلابی دمکرات های طی که دارای منشأ خرده بورژوازی رادیکال بوده و از ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم کاملا تبعیت نمی کنند اگر چه تفاوتی با پرولتاریا دارد؟ و اگر با ایدئولوژی خرده بورژوازی می خواهد "به سوی سوسیالیسم حرکت" کند پس ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم چه ارزشی دارد؟ اگر انجام دگرگونی های

غیر سرمایه داری را دموکرات های انقلابی طی که معمولا دارای منشأ خرده بورژوازی رادیکال هستند، برعهده دارند. آنها از ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم بطور کامل تبعیت نمی کنند. حال باید گفت که این انقلابی دمکرات های طی که دارای منشأ خرده بورژوازی رادیکال بوده و از ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم کاملا تبعیت نمی کنند اگر چه تفاوتی با پرولتاریا دارد؟ و اگر با ایدئولوژی خرده بورژوازی می خواهد "به سوی سوسیالیسم حرکت" کند پس ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم چه ارزشی دارد؟ اگر انجام دگرگونی های

حزب توده و دیگر رویزیونیست ها برخلاف عقاید درخشان لنین، اساسا رهبری کمونیست ها را قبول ندارند و شرط پیروزی "راه رشد غیر سرمایه داری" را رهبری روشنفکران خرده بورژوا می دانند.

افتاده ای مانند ترکستان و غیره، این مسئله را در قبال ما قرار داد که چگونه تاکتیک و سیاست کمونیستی را در شرایط ماقبل سرمایه داری به کار بندیم. زیرا مهمترین خصالت بازی این کشورها آن است که در آنها هنوز روابط ماقبل سرمایه داری حکم فرماست و به این جهت در آنجا ممکن نیست صحنه هم از جنبش صریحاً پرولتاریائی در بین باشد. در این کشورها تقریباً پرولتاریای صنعتی وجود ندارد. با وجود اینها ما در آنجا نقش رهبری را به عهده خود گرفتیم و موفق بودیم به عهده بگیریم. کار، به ما نشان داد که در این کشورها باید مشکلات عظیمی را مرتفع کرده و گذشته از این نتیجه عملی کار ما همچنان نشان داد که با وجود این مشکلات حتی در آنجا هم تقریباً پرولتاریا وجود ندارد می توان در توده ها تمایل به تفکر مستقل سیاسی و تمایل به فعالیت مستقل سیاسی را

لنین در پایان مقاله اشاره می کند که چنین چیزی امکان ندارد. او بدین ترتیب نشان می دهد که بدون حزب پرولتاریا و رهبری پرولتاریا نه تنها راه سرمایه داری میان برزده نمی شود بلکه حتی مواضع دمکراتیک نیروها علیه بورژوازی لیبرال حفظ نخواهد شد. اساساً مقصود لنین از "راه رشد غیر سرمایه داری" آن است که گذار از یک مرحله ماقبل سرمایه داری به سوسیالیسم بعنوان یک واقعیت انکار ناپذیر تاریخی و با وجود پیش شرطهای ضروری (که ما به آن اشاره خواهیم کرد) امکان پذیر است اما وقتی در چگونگی این پیش شرطها تجدید نظر شود این تسلسل نه تنها ارزش لنینیستی خود را از دست خواهد داد بلکه دقیقاً مخالف اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم است. پرواضح است که مقصود لنین و سایر رهبران بزرگ جنبش کمونیستی از به پیش کشیدن تر راه رشد غیر سرمایه داری این بود که جوامع پیش از سرمایه داری حتی نباید از سرمایه داری بگذرند تا به سوسیالیسم برسند. بلکه اگر

گسیخته نادر همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی و

بقیه از صفحه ۱

فرار شاه، تجلی اراده...

بهردازد و البته خلق ما فراموش نمی‌کند که چنین نوصیای درآمد تنها پیش مهدی بازرگان به امپریالیسم آمریکا کرده بود.

روز ۲۶ دی در تاریخ مبارزات خلق ما روزی فراموش ناشدنی است سیل خروشان توده‌ها شاه را از ایران بیرون راند، مردم به کوچه‌ها و خیابان‌ها می‌ریزند و بی‌اعتنا به سازشکاران و تسلیم طلبانی که مردم را از دخالت ارتش می‌ترسانند مجسمه‌های خاندان پهلوی را بر زمین می‌اندازند و چنین کساری را حتی در زیر رگبار گلوله‌های ارتش ضد خلقی شاه انجام می‌دهند.

توده‌های میلیونی در خیابان‌ها و میدان با مشت‌های کرده کرده

سرکردگی امپریالیسم آمریکا حامی آن بود، دژ خمی که یکی از مخوفترین شبکه‌های پلیسی تاریخ را در اختیار داشت، شاهنشاهی که در راس ارتش ضد خلقی خود را قادر مطلق می‌پنداشت و هرگز تصور نمی‌کرد که زحمتکشان ایران بتوانند در برابر نیروی عظیم او پایداری کنند روز ۱۴ آبان برای نخستین بار در برابر نیروی لایزال خلق ما زانو زد. او در این روز در صفحه تلویزیون ظاهر شد و با فروتنی عجیبی که اصلاً شایسته مقام سلطنت نبود و با مودبگری تمام کوشید خود را از کرده‌های خویش پشیمان جلوه دهد و به اصطلاح نوبه کند.



شعار می‌دهند "بعد از شاه نوبت امریکاست." روز ۲۶ دی توده‌ها قدرت لایزال خود را به چشم دیدند، مبارزات توده‌ها بزرگترین جلاد تاریخ را سرنگون ساخته بود "شاه رفت و چندی بعد پیام شکوهند و خونین خلقهای ایران یکبار دیگر داغ تنگی بر پیشانی سازشکاران، دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا برجای نهاد.

بساط تنگین شاهنشاهی پهلوی برچیده شد، لیکن هنوز امپریالیسم و طبقه سرمایه‌دار ایران علیه مردم ضرباتی که بر آن وارد آورده‌ام، برجای باقیمت و همچنان دست‌اندرکار است.

سرمایه‌داران لیبرال پس از بهره‌گیری از هراس روحانیست از انقلابیون کمونیست به مراکز قدرت خزیدند و به شرف انقلاب را سد کردند.

بعد از شاه نوبت امریکاست این شعار هنوز بر تارک مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ما می‌درخشد. توده‌های میلیونی شاه را بیرون کردند و در این راه طبقه کارگر نقش اصلی را برعهده داشت.

بیرون کردن امریکا تنها از عهده رهبری طبقه کارگر ایران ساخته‌است.

اینبار طبقه کارگر، زحمتکشان را زیر پرچم خود گرد خواهد آورد. مردم را متحد خواهد ساخت و ایران آزاد و دمکراتیک فردا را که در آن فقیر و گرسنگی و بیکاری و بی‌خانمانی و جهالت و اختناق رو به نابودی خواهد نهاد، برپا خواهد ساخت.

همراه با بزرگداشت مبارزات خلقهای قهرمان ایران، خاطره شهدای خوزستان را که در روز ۲۷ دی به انتقام مبارزات دلیرانه‌شان به دست ارتش ضد خلقی به شهادت رسیدند، گرامی می‌داریم.

او گفت "هن صدای انقلاب شما را شنیده‌ام و آن را می‌پذیرم او گفت که قول می‌دهم که دیگر اشتباهات گذشته را تکرار نکنم." اما خلقهای قهرمان ما دیگر آگاه تر و معصم تر از آن بودند که حتی لحظه‌ای هم از مبارزه برای سرنگونی یک زنجیری امپریالیسم آمریکا و نظام پوسیده شاهنشاهی درنگ کنند. توده‌ها فریاد برآوردند که "شاه توبه کرده توبه گریز مرگه". مردم فریب تبلیغات عوام‌فریبانه را دیو - تلویزیون را نخوردند، مردم قدرت ارتش ضد خلقی را به هیچ گرفتند، مردم به خوبی دریافتند که "شاهنشاه آریامهر چرا تا به این حد درمانده گشته و به به التماس افتاده است.

مردم بی‌اعتنا به تبلیغات زهرآگین سرمایه‌داران لیبرال، و جناح روحانیون میانه رو که می‌گفتند حال که شاه توبه کرده و قول اصلاحات داده است بنشینید و دست از مبارزه بردارید و دست همکاری به رژیم بدهید، به مبارزات خونین خود ادامه دادند و سرانجام امپریالیسم آمریکا و سرمایه‌داری وابسته به آن را مجبور ساختند که دست از حمایت شاه بردارند.

امپریالیسم آمریکا که تا آخرین روزهای فرار شاه، از او حمایت می‌کرد، با رشد جنبش توده‌ای به هوای افتاد و برای جلوگیری از رشد جنبش و حفظ ارتش ایران جنبه ملی را مناسب تر از شاه تشخیص داد. امپریالیسم آمریکا بختیار جناپتکار راه‌نخست‌وزیری برگزید و به شاه این سک و وفادار خود اعلام داشت که دیگر قادر نیست از وی حمایت کند و بهتراست شاه برای حفظ تاج و تخت سلطنت و حفظ منافع خود و امپریالیسم آمریکا یک چند به استراحت

کوچک‌ترین ارتباطی با سازمان ما و صرفاً به خاطر مطالعه چند داستان و نقدی که بر یکی از این داستان‌ها نوشته بودند، به دست ساواک اسیر شدند. در همان ابتدا رهبرایین محفل دانش‌آموزی به خاطر سر بی‌تجربگی و ترس زیاد، با پلیس همکاری کرد و آزاد شد. بقیه این دانش‌آموزان به خاطر صداقتی که از خود نشان دادند و فضای سالیهای اختناق بودیکتاتوری محمدرضاشاهی که حتی مطالعه یک اعلامیه نیروهای انقلابی، محکومیت و زندان‌های طولی مدت به همراه داشت، در زندان باقی ماندند و در زیر فشارهای پلیس سیاسی در زندان نتوانستند آنگونه که باید از تجربیات انقلابی درس بگیرند. این بود که اغلب آنها در همان زندان توده‌ای شدند. یکی دو نفر دیگر پس از آزادی از زندان به خاطر روابط دوستانه و محفل‌گه‌ها دیگر دوستان خود داشتند، به بقیه پیوستند و به قول خودشان خورشید بی‌فروغ را زیارت کردند.

از جمله مسائل دیگری که برای این دانش‌آموزان باعث ابهام گردید ما است که خود را "گروه هواداران سازمان چریکهای فدائی

با تبلیغاتی که روزنامه "مردم" پیرامون اصطلاح پیوستن "گروهی از هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" به "خورشید تابناک حزب توده" به راه انداخته و افتخاری که از این جهت نصیب "کمیته مرکزی" این "حزب طراز نوین طبقه کارگر" شده‌است و سرمستی و شعفی که به دیگر "توده‌ها" دست داکتر لایزال دانستیم درباره این "سالیها" سرد طولانی و این جوانان به اصطلاح "پرورشوری" که به قول روزنامه "مردم" از "عشق خورشید مارکسیسم - لنینیسم" سوخته و طی سالها نبرد طولانی آبدیده شده، از آب و آتش گذشته و بلاخره به معبود خود رسیده‌اند "در پس دامنه کوه پرافتخار حزب توده خورشید مارکسیسم - لنینیسم" بی‌فروغ "توده‌ها" را "زیارت کردند" و "راه طبقه کارگر"، "راه سوسیالیسم" را در پیگر فروت و پوسیده حزب توده یافتند، مختصری توضیح دهیم این گروه و به قول "حزب توده" "هواداران سابق" در حقیقت یک محفل دانش‌آموزی مرکب از ۷-۸ نفر بودند که در اوج اختناق و بگیر و ببندهای ساواک -

بقیه از صفحه ۶

"راه رشد غیر سرمایه داری" و ...

راه رشد غیر سرمایه داری حزب توده همان راه رشد سرمایه داری وابسته است

امپریالیسم ندارد. خرده بورژوازی این متحد طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک سرانجام باید همونی پرولتاریا را بپذیرد و تحت رهبری طبقه کارگر برای محو سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به مبارزه ادامه دهد و البته در غیر این صورت همانگونه که نین بر آن تاکید دارد شکست انقلاب دمکراتیک حتمی است.

اما خرده بورژوازی در چه شرایطی رهبری پرولتاریا را می‌پذیرد و به دنبال آن می‌رود؟ فقط در صورتی که صف مستقل پرولتاریا در جنبش تشکیل شده باشد، و اگر همانگونه که "توده‌ها" آرزو دارند چنین صفی تشکیل نشود، خرده بورژوازی همانگونه که بارها در تاریخ مبارزات خلق‌های زیر سلطه دیده‌ایم رهبری سرمایه‌داران لیبرال را می‌پذیرد و بدینسان با تحکیم مجدد سلطه امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته جنبش شکست استراتژیک روبرو می‌شود، و بدینسان "راه رشد غیر سرمایه داری" حزب توده که همان راه رشد سرمایه داری وابسته‌است، تحقق می‌یابد. چنین شکستی هر چند که بیش از همه به زیان طبقه کارگر خواهد بود، اما برای خرده بورژوازی نیز مصیبت‌بار است. از همین رو است که ما می‌گوئیم "حزب توده" و امثال آن آب به آستیناب سرمایه داری وابسته و امپریالیسم

بگیر انقلابی توسط این رهبری عملی است پس دمکراسی پیگیر انقلابی پرولتاریا چیزی بی‌معنی است که در لایزال آشکار کلاسیک قهر برداری شده است.

پس چرا نین برنامه‌های دموکراتیک‌های انقلابی چین را (که با ایده سوسیالیسم طراحی شده است) مشخصاً به این علت که رهبری طبقه کارگر و با ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم ناظر بر آن نیست، سوسیالیسم ذهنی خرده بورژوازی می‌نامد؟ پس چرا نین تا به این حد به رهبری کمونیست‌ها وصف مستقل حتی در آنجایی که پرولتاریا صنعتی وجود ندارد تاکید می‌کند؟

"حزب توده" ضدیت را با مارکسیسم - لنینیسم و جنبش کارگری به جایی رسانده است که حتی در کشوری که دارای صدها هزار کارگر صنعتی است، مذهب‌حانسه می‌کوشد با فریب طبقه کارگر و مخدوش کردن سیاست مستقل پرولتاریا با سیاست خرده بورژوازی و یکسان جلوه دادن آن از ایجاد صف مستقل پرولتاریا که بر مبنای سیاست مستقل پرولتاریا تشکیل می‌شود جلوگیری کند.

دشمنی حزب توده با جنبش کارگری زمانی بهتر درک می‌شود که عمیقاً به این واقعیت توجه کنیم که خرده بورژوازی به هیچ وجه توان تاریخی رهبری پیروزمندان انقلاب دمکراتیک را در عصر

فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا

پاسخ به پرسشها:

چرا ولایت فقیه بیانگر آرمانخواهی و افس گرایانه خرده بورژوازی است؟

پرسش:

رفقا از وقتی که ضمیمه کار ۳۵ بیرون آمد دو مسئله در رابطه با آن خیلی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. یکی کم و کیف آرمانخواهی خرده بورژوازیست و دیگری علت درهم شکستن "دکم" آن است.

آنچه برای من مشکل ایجاد کرده است، این است که مبنای "آرمانخواهی و افس گرایی" و "آئیندنگی" خرده بورژوازی چیست و چرا ولایت فقیه بیانگر آرمانخواهی و افس گرایی خرده بورژوازی است؟

پاسخ:

خرده بورژوازی مجموعه ای است از اقشار متعدد که در تقسیم کار اجتماعی موقعیتی مشابه و وظایفی متفاوت دارند.

خرده بورژوازی در دهه مالکین وسائل تولید قرار دارد و در عین حال تحت سلطه و ستم مالکیت بزرگ و امپریالیسم است. خرده بورژوازی از یک سو با مالکیت خصوصی است و از سوی دیگر با مالکیت بزرگ درگیر است. هم خواهان افزایش ثروت شخصی است و هم با ثروت های تکران دشمنی دارد. او در مقابل سرمایه داران بزرگ و امپریالیسم به پرولتاریا نزدیک می شود و از ترس پرولتاریا آسانه پناه بردن به سرمایه داران است. در پیکار با امپریالیسم و سرمایه داری بزرگ نقش منفی ایفا می کند و در دفاع از مالکیت خصوصی و مقابله با پرولتاریا مصلحتی ارتجاعی دارد. خرده بورژوازی تحت رهبری پرولتاریا انقلابی است، تحت رهبری بورژوازی ارتجاعی است و تحت رهبری خودش منزلهزل، سازشکار، سرشار از دوگانگی و التقاطی است. او بنا بر اینکه متحد کدام طبقه باشد و علیه کدام طبقه مبارزه کند، می تواند سمت گیری های متفاوتی داشته باشد. لیکن در شرایط سرمایه داری وابسته و سلطه امپریالیسم خرده بورژوازی در مجموع سمت گیری ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری وابسته دارد. لذا در اساس متحد پرولتاریا در مبارزه علیه سلطه امپریالیسم و سیستم سرمایه داری وابسته است.

تحت یک وضعیت اقتصادی اجتماعی مشخص خرده بورژوازی با بر موقعیت اقتصادی اجتماعی خود دارای سمت گیری عینی خاصی است. این سمت گیری عینی بطور خاص در رابطه با دشمن عمده خرده بورژوازی و متحدین واقعی آن در پیکار با آن دشمن تعیین می گردد، لیکن سمت گیری حاری و با هر سیاست

تشریح کار می گوید تا از این پس به پرسشهای شما در ستون تحت عنوان "پاسخ به پرسشها" جواب دهد. این ستون بی تواند رابطه ای نزدیک تر و فعال تر میان "کار" و خوانندگان برقرار نموده و بنوبه خود در اعتلا آگاهی خوانندگان و توضیح مواضع سازمان نقش موثری ایفا نماید. بدیهی است که کثرت مطالب و محدودیت های نشریه مانع از آن است که ما هر هفته به همه سئوالات در این ستون پاسخ دهیم. لذا با تاکید بر کیفیت می گوئیم تا از میان مجموع سئوالات یک یا چندتا را که بیشتر مورد تاکید قرار گرفته و در عین حال جنبه عمومی نیز دارد، انتخاب کنیم و به آنها پاسخ بدهیم.

از آنجا که هدف ما ایجاد رابطه ای فعال و دو جانبه می باشد، لذا این ستون بطور یک جانبه به پاسخهای نشریه اختصاص ندارد، بلکه می گوئیم تا نظریات رفقا را نیز در حد امکان منعکس نمائیم. بر این اساس در هر شماره ضمن اینکه به یک یا چند سئوال پاسخ می دهیم، از میان سئوالات طرح شده یک یا چندتا را انتخاب کرده و در آخر ستون درج می نمائیم.

رفقا می توانند به سئوالات طرح شده (با در نظر گرفتن ظرفیت ستون مربوطه) پاسخ داده و پاسخهای خود را نیز برای ما بفرستند. ما از میان پاسخهای رسیده، چنانکه پاسخی درست و قابل درج باشد، آنرا در همین ستون چاپ می کنیم.

چنانچه نشریه "کار" در مورد پاسخهای رسیده و قابل چاپ نظری داشته باشد، آنهم در پائین ستون برای اطلاع خوانندگان ذکر می شود.

خرده بورژوازی لروما و حتماً آن سمت گیری واقعی و ضروری را منعکس نمی کند. سایرین شاید هر حرکت سیاسی خرده بورژوازی را مملکت تغییر ماهیت مبارزاتی خرده بورژوازی فرار داد، بلکه بالعکس باید در بزور حرکت و جهت خود با سمت گیری واقعی خرده بورژوازی

خرده بورژوازی تحت رهبری پرولتاریا انقلابی است، تحت رهبری بورژوازی ارتجاعی است و تحت رهبری خودش منزلهزل، سازشکار سرشار از دوگانگی و التقاطی است.

کم و کیف سیاست های جاری خرده بورژوازی را ارزیابی نمود و موقعیت با شکست آنها را بررسی کرد. در عین حال نباید فراموش کرد که تعدد اشکال مبارزه و سیاست های خرده بورژوازی منعکس می گردد و بنابراین، اینکه کدام قشر پرچمدار مبارزه این نیروها باشد، تفاوت هائی در کم و کیف پیشبرد مبارزه آن پدید می آید.

حیثیت توده های ایران تحت رهبری خرده بورژوازی بود. رهبری خرده بورژوازی در این جنبش به دست روحانیت بود. روحانیت بطور خاص بر خرده بورژوازی سنتی (تولید و توزیع خرد) متکی بود و این بخش از خرده بورژوازی را نمایندگی می کرد. خرده بورژوازی سنتی ضد امپریالیست و ضد انحصار و سرمایه بزرگ است. او می خواهد تا وضع را به گونه ای اصلاح کند که برای تولید و توزیع خرد فضای حیاتی و شرایط مساعدی فراهم گردد. او می خواهد سرمایه خرد را در پناه سرمایه های دولتی و با قدرت سیاسی از تعرض سرمایه های بزرگ مصون دارد. در این میان امپریالیسم دشمن اصلی اوست و هدف واقعی مبارزه او سلطه امپریالیسم و دیکتاتوری اقتصادی سیاسی

لدا با در هوا و سرگردان مباد و سر از مدسه فاصله در می آورد. مدینه فاصله تجسم آرمانخواهی خرده بورژوازی است و دیاری است موهوم که در آن عسیت معلوب دهنت و فواص عینی مطبوع نمایلات دهی می گردد. مدینه فاصله بر مستوری اخلاقی اسوار است که همراه رعایت حد و حدود دعوت می کند و آساکه اس جد و حدود بر هیچ عینی اسوار نیستند. "لروما" اخلاق و "تقوا" عینی احترام به حد و حدود مقرر شده و رعایت آنها مورد تاکید قرار می گیرد. و در سر لوجه منشور مدینه اعلام می گرد که روال شهر آرمای از اسوا آغاز می شود که تقوا و اخلاق است گردد.

سیسمی که توسط خرده بورژوازی ارائه می شود و با چکیده مدینه فاصله مورد بطراوه و کوه دو کوه شکل می گیرد. یکی با تاکید بر دوران طلایی گذشته و دیگری با تاکید بر دوران کدائی آینده. در نوع اول خرده بورژوازی در حسوی مدینه فاصله خود به اعماق قرون وسطی سفر می کند و از هر دبار غسبسی بر می گیرد و با مصالح و ابیسس رورهای فتودالسم که هور سرمایه بزرگ راه کس و کار بر او بسته بود سپر را بنامی کند و در این روست فرهنگ و ست آن دوره را وسله ای جهت پیسرت کار فرار می دهد.

خرده بورژوازی سنتی مایر همین سباق به توضیح جامعه عدل می پردازد و بر بی عدالتی های باشی از سلطه امپریالیسم و استقرار نظام سرمایه داری وابسته به آن می تازد. بدینگونه خرده بورژوازی برای نجات خود چشم به گذشته می دوزد و مدینه فاصله خود را از اعماق قرون وسطی منعکس می سازد. و اما نوع دوم مدینه فاصله خرده بورژوازی که از بازگشت وضع قدیم مایوس می شود، می گوید تا به آینده امید ببندد. به همین علت مدینه خود را بصورتی مجازی در آنسوی نظام سرمایه داری بنامی کند و سوسیالیسمی تخیلی و خورده بورژوازی را در مفهوم جامعه بی طبقه توحیدی در انظار به نمایش می گذارد.

بدینگونه آرمانخواهی خورده بورژوازی در قالب مدینه های فاصله مجسم می شود، بنا بر اینکه در دوران کالائی گذشته پادوره کدائی آینده متکی باشد، بیانگر آرمانخواهی گذشته گرا یا آینده گرای اوست. ولایت فقیه منشور آن مدینه فاصله ای است که بر واپس گیری خرده بورژوازی تکیه دارد و با مصالح دوران فتودالسم رویهم سوار شده است. ولایت فقیه تصویر مجازی آرزوهای خرده بورژوازی سنی را در اعماق قرون وسطی ترسیم می کند. در برابر آن جامعه بی طبقه توحیدی تجسم این مدینه در آن سوی بورژوازی و در آینده ای گنگ و مهالود است.

هزاران نفر از مردم مبارز گیلان در راهپیمایی ضد امپریالیستی خود شعار می دادند:

خلفها می رزمند، سازشکاران می لرزند

به دعوت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران شاخه گیلان هزاران نفر از مردم مبارز این منطقه به منظور افشای بیشتر سرمایه داران لبرال و درهم شکستن توطئه های امپریالیستی این عناصر و مزدوران انحصارات وابسته به راهپیمایی پرداختند. غریب پر شکوه هزاران نفر در آسمان شهر چنین طنین می انداخت:

خلفها می رزمند، سازشکاران می لرزند. سبل عظیم جمعیت تظاهر کننده از دبیرستان آزادگان آغاز به راهپیمایی کردند. آنان در حالیکه شعارهایی در رابطه با گسترش مبارزه ضد امپریالیستی، محکوم کردن عناصر سازشکار و افشای سرمایه داران لبرال این همدستان واقعی امپریالیسم آمریکا و نیز شعارهایی به مناسبت سالروز انقلاب فلسطین و حمایت از صلح دمکراتیک در کردستان و محکوم کردن جنگ افروزی در کردستان می دادند.

سراجم جمعیت تظاهر کنند به خیابان سردار جنگل رسیدند. در این خیابان قطعنامه راهپیمایی فراتر گردید.

بعضی از شعارهای راهپیمایان به شرح زیر بود: "شاعر فدائی استقلال، کار، مسکن، آزادی"

"زحمتکشان ایران نبرد با آمریکا تا قطع وابستگی"

در قسمتی از قطعنامه امپریالیسم راهپیمایی آمده است: "خلق قهرمان ایران و مردم مبارز گیلان زمانی که خلق ما جانبازانانه سینه های خود را در مقابل گلوله های آتشین خصم سپر کرده بود، زمانی که بازوان پرتوان کارگران، چرخ تولید سرمایه داری را از حرکت باز داشته بود، زمانی که دهقانان به یاری زحمتکشان شهر شتافته و رژیم خونخوار شاه را مستاصل کرده بودند، زمانی که پیشه وران و کسبه، دانشمندان با دانشمندان، مصلحان و کارمندان با خورش خود خیابانها را به لاسرزه در آورده بودند، زمانی که پیشروان جنبش خلق ما با تمام وجود شکنجه دد منشانه رژیم را تحمل می کردند و پاسدار میراثهای ارزشمند مبارزات خلق بودند، سرمایه داران لبرال، ردیبلان در پی آن بودند که بروج جنبش شکوهند خلق سوار شده و آنرا در خدمت معامله با رژیم فرار دهند."

صلح دمکراتیک در کردستان باید به نفع زحمتکشان ایران برقرار شود



بدعوت ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن زحمتکشان ترکمن، بلوچ و زابلی، در راهپیمائی...

بقیه از صفحه ۱۲

کسور به سروری بوده‌ها، زمین‌ها به
روستائیان واگذار کرده و اداره
آن به دست شوراهای مردمی
سپرده‌سود.

مرکز بر فرصت طلبان و
سازشکاران
نابود بادتوطئه‌های
زمین‌داران بزرگ و غاصبین
علیه زحمتکشان روستاها
مستحکم باد پیوند
خلفهای سراسر ایران
پرتوان باد مبارزات صد
امپریالیستی-دمکراتیک
کارگران، دهقانان
و زحمتکشان

ستاد مرکزی شوراهای
ترکمن صحرا
۵۸/۱۰/۱۶

بند ترکمن-رور سه‌ده‌ادماه
از طرف کانون فرهنگی و سیاسی
خلق ترکمن-سدر ترکمن راهپیمائی
جهت شش‌سای از آدامس
افشاکری‌های عناصر و اسب
امپریالیسم امریکاهمچس محکوم
کردن غاصبین و زمین‌داران
بزرگ در منطقه ترکمن صحرا
انجام پذیرفت.

در این راهپیمائی که هزاران
نفر از زحمتکشان شهر و روستا
شرکت نموده بودند، دسائس و
نوطئه‌های سرمایه‌داران لیسرال
محکوم گردید. دریابان ایس
راهپیمائی قطعنامه کانون فرهنگی
و سیاسی خلق ترکمن-سدر ترکمن
فراشت گردید.

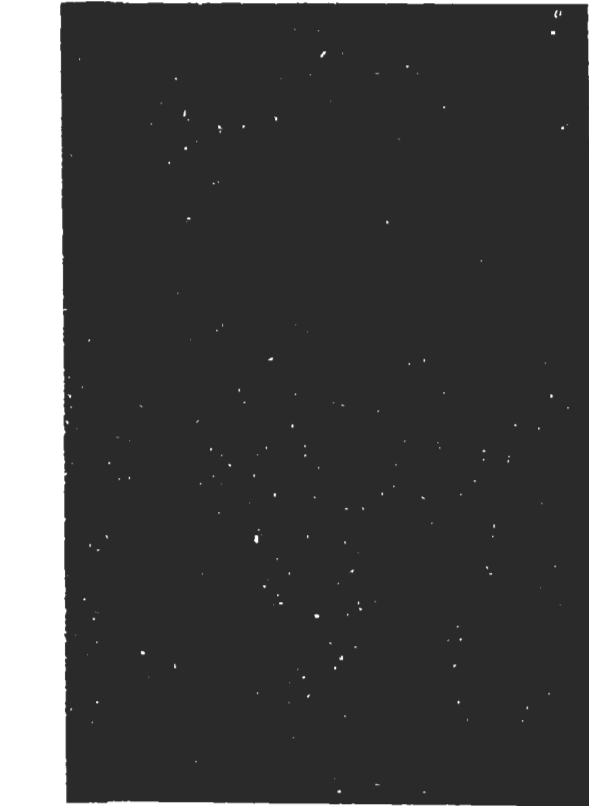
در طی راهپیمائی راهپیمان
شعارهای زیر را تکرار می‌کردند:
"افشای امریکائی باید ادامه
یابد."

"نه سازش نه تسلیم نپذیرد
با امریکائی"
"سازشکار نابود است، انقلاب
پیروز است."
"صلح در کردستان به نفع
زحمتکشان ایجاد باید گردد"

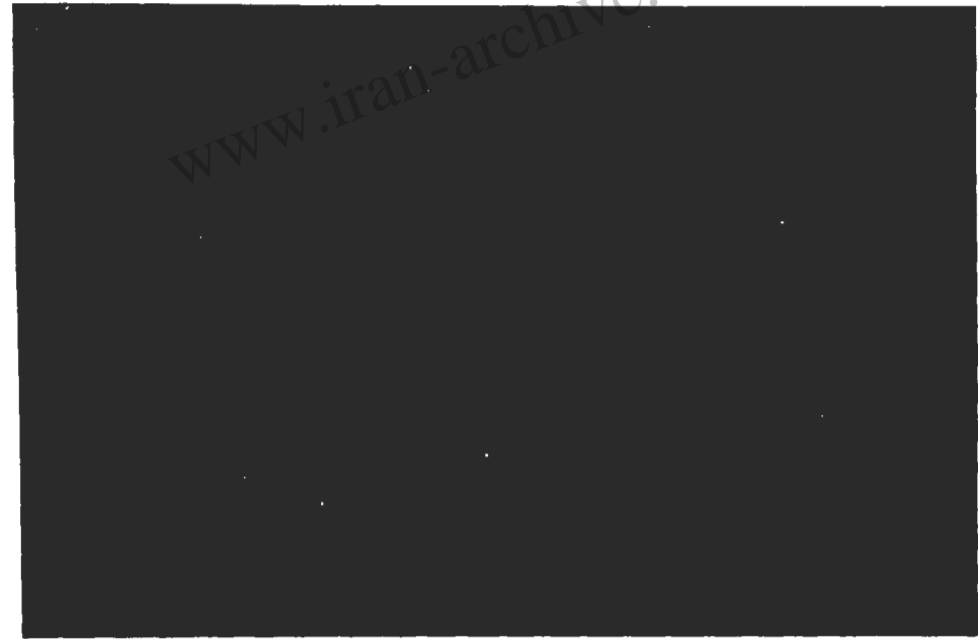
آق‌قلا-رور پنجمه ۱۳ دیماه
از طرف کانون فرهنگی و سیاسی
خلق ترکمن-آق‌قلا، اجتماع
جهت افشای عناصر سازشکار و
سرمایه‌داری وابسته بر پا
گردید. در این گردهمایی هزاران
نفر از زحمتکشان شهر و روستا،
کسبه و دانش‌آموزان شرکت
داشتند.

گردهمایی در ساعت ۱۰ صبح با
شعارهای "خلق ما پیروز است،
امریکا نابود است"، "زحمتکش
پیروز است، سازشکار نابود است"،
آغاز گردید و در طی آن
سخنرانی‌هایی در جهت افشای
امپریالیسم و جنایات آن همچنین
چگونگی جنایات و دسائیس
سرمایه‌داران وابسته و
ضرورت ادامه افشاکری علیه آنها
همچنین جنایات غاصبین و
زمین‌داران بزرگ در منطقه انجام
پذیرفت.

در طی این اجتماع زحمتکشان
شعارهای زیر را تکرار می‌کردند:
"ایران را کورستان امریکا می‌کنیم"
"ترکمن صحرای خود مختار بنفع
زحمتکشان ایجاد باید گردد"



ستم ملی و طبقاتی و سیاسی حق
لینها در عین سروسختی
و اتحاد قضایی دمکراتیک برای
اتحاد ریکاراجتی همه خلقهای
ایران جهت مبارزات سیکر و همه
خاندان علیه امپریالیسم جهانخواز



"مستحکم پیوند زحمتکشان زابلی، بلوچ و ترکمن"

امریکا هستیم.
۴- خلق مبارز ترکمن در کنار همه
خلقهای تحت ستم ایران برای
کونا کردن دست امپریالیسم
جنایتکارو تمام عناصر وابسته به
آن و پیشبرد مبارزات صد
امپریالیستی مردم میهمانان
همانگونه که ناکون علی‌رغم همه
مشکلات و مصائبی که حاکمیت سر
راه مبارزه بیکیش علیه غاصبین
و زمین‌داران بزرگ که بانکاه

می‌نماید، محکوم می‌کنیم.
۴- ماهمه کوشش‌هایی را که در
جهت سرکوب مبارزات خلقهای
تحت ستم ایران رهنه‌سازی کرده و
به عناوین مختلف استقرار صلح
در کردستان را به تعویق انداخته
و علاوه حمایت از امپریالیسم و
زمین‌داران بزرگ و غاصبین
می‌پردازد، محکوم کرده و پشیمانی
خود را از "هشت نمابندگی خلقی
کرد" اعلام داشته و خواهان رفع

لیسرال و امپریالیسم به سهرس
سجوی نامین کرد.
ما سرکشدگان در راهپیمائی
یکسه ۱۶ دیماه مسوار در برابر
اعلام می‌داریم:
۱- ما خواهان ادامه هرچه
کسرده اسای سرمایه‌داران
لیسرال این حاکمین به اغلات و
حاکمین امپریالیسم بوده و
هرگونه کوشش و تلاش مدیوحانه
برای جلوگیری از افشای حقایق را
تلاش می‌کنیم. ما مع امپریالیسم
و خلاف صافع کارگران، دهقانان
و زحمتکشان، و صداعلاسی
می‌داسم.

۲- ما کلیه اقدامات سرمایه‌داران
لیسرال را که ناکون با خریدن سه
درون حاکمین به عناوین مختلف
مبارزات کارگران، دهقانان و
زحمتکشان کشور را به انحراف
کسانده و جهت نامین معاصد
سند امپریالیستی خویش با
دسه و بوسند و بر رمند ارجاع
سرکوب نموده‌ها را دسورکار خویش
مژاداده‌اند، محکوم می‌کنیم.

۳- ما دسائس و نوطئه‌های
مخامل و غاصب و اسب
سرمایه‌داران لیسرال را که در پناه
حواست سجوی دمکراتیک خلقهای
ایران با ظاهر دروغین سسه
آزادخواهی و ستمی از آنان و
برای حدس به امپریالیسم و
محرور کردن مبارزات صد
امپریالیستی بوده‌ها در تراسط
سیاس کوشی سعی در ایجاد سگاف
در معده متحد خلق‌ها

زحمتکشان شهر و روستا و
مردان مبارز شهرکند و سهرهای
اطراف بودند، با شعارهای صد
امپریالیستی-دمکراتیک که به
رسانهای ترکمنی و فارسی بود، سیر
راهپیمائی را به لیره در آورده بودند.
عصی از شعارها جس بود:
"زمین‌داران نابود است،
زحمتکشان پیروز است"
"کرد و بلوچ و ترکمن - ترک
و عرب متحدان
علیه امپریالیسم"
"پرخروش، پرتوان
علیه امپریالیسم"
یا آلرس، یا اولرس، آحر
خود مختار بولسرس
(بامی کیریم، بامی میریم
عاقبت خود مختار می‌تویم)

این راهپیمائی در ساعت
بعد از ظهر در مقابل ستاد مرکزی
شوراهای ترکمن صحرا با فراشت
قطعنامه جامع نام و زحمتکشان
در حالیکه شعار می‌دادند:
"دروغ بر بزرگ، متحد کارگر"
گروه گروه به روستاهای حدود
نارگسند.

در سخن‌هایی از این قطعنامه
آمده است:

"خلق قهرمان ایران!
مردم مبارز ترکمن صحرا!
س از گدیب ده‌ماه از اغلات
علیرغم ادامه مبارزات کارگران،
دهقانان و زحمتکشان، حاکمیت
به‌ویژه دولسو به اصطلاح اغلاتی
بازرگان بدون کزچک‌ترین توجهی
به منافع و مصالح توده‌ها و به
آنچه که زحمتکشان برای آن سا
بای حان به مبارزه برخاستند،
کوش همه‌جانبه‌ای در سده و
سودن این مبارزات به عمل آورده
و به‌صورت مختلف از مبارزات توده‌ها
برای دستیابی به حقوق واقعبشان
خلوگیری کردند. مبارزات بیکر
کارگران به دلیل ادامه فشار
سرمایه‌داران وابسته کماکان ادامه
افت و چه دولت کسه اداره
کارخانجات فراریان را به عهده
گرفت و چه سرمایه‌داران، سبورب
کدسده و با روابط گدسده در
کارخانجات به اسسار کارگران
برداختند، بازرگان، عناصر
انادی امپریالیسم که در حاکمیت
حای گرفته‌اند، به روس‌هسای
کویاکون به تقویت سرمایه‌داران
مادرت ورزیدند و به سساده
بهبود وضعیت اقتصادی کشور
برای ادامه استعمار کارگران و سداوم
واستی به امپریالیسم رهنه‌سازی
سعودند.

مبارزات بیکر دهقانان تحت
ستم کسورمان، برای رفع ستم
سال‌های منمادی و برای رهایی از
اجحافات زمین‌داران بزرگ و
غاصبین که در بیشتر نقاط مملکت
به ترکسازی مشغولند، همواره مورد
سرکوب و بورش حاکمیت فرار
گرفت و علاوه حاکمیت در کنار
سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ
به حمایت از آنان پرداخته و
توده‌های زحمتکش شهر و روستا و
سهرهای انقلابی حامی کارگران و
زحمتکشان را ضد انقلاب و
خرابکاران می‌نابد بسان سسه
آرام‌سازی و تحقیف و محدود
کردن حرکات انقلابی کارگران و
دهقانان و زحمتکشان دست‌بافنه
و نسجه اسبکه منافع سرمایه‌داران

حق تعیین سرنوشت خلقها ضامن وحدت و یکپارچگی است

بقیه از صفحه ۱

به مناسبت سالگرد مرگ لنین

لنین آموزگار کیپرولتاریا در قلب زحمتکشان جهان ...



کمیته مرکزی حزب، هزاران هزار، درخواست عضویت از طرف کارگران غیرحزبی دریافت می داشت. بیش از دوپست و چهل هزار تن کارگر، در اندک مدتی، داخل صفوف حزب بلشویک شدند. این دعوت لنین به حزب بود. مگر لنین نگفته بود: "تنها در سایه اینکه حزب بیدار و مواظب بود، و انضباط مؤکدی داشت... به دنبال شغلی که از طرف کمیته مرکزی داده شده بود، دهها، صدها، هزارها و بالاخره میلیون ها، مانند تنی واحد می رفتند و فقط به سبب اینکه فربانی های بی نظیری داده شده بود... با وجود لشکرکشی های دوباره، سه باره، چهار باره امپریالیست های آنتانت و امپریالیست های همه جهان، توانستیم پیروز گردیم."

مگر لنین نوشته بود: "رفقای کارگر به یاد داشته باشید که انقلاب در معرض خطر بزرگیست. در خاطر تان باشد که تنها شما می توانید انقلاب را نجات دهید و بس. چیزی که بخصوص برای ما لازم است دهها هزار کارگر برگزیده، پیشرو، فدایان نسبت به سوسیالیسم است که از آنها سربزنی آید به روش و دزدی تن در دهند و قادرند بر ضد گولاکها، محترکین، غارتگران، رشوه خواران و کارکنان نیروی آهنینی ایجاد کنند."

اکنون دوباره لنین چه پاسخ مناسبی دریافت می داشت. سال های آخر عمر لنین آمیزه ای از کار و بیماری، تحمل و سختکوشی بود. در سال ۱۹۱۸ حرکت خائنانی برای قتلش انجام شد که اگرچه ناکام ماند، او را به سختی مجروح کرد و سال های از بیماری را در پی داشت.

ماکسیم گورکی در این باره می نویسد:

"... وقتی به دیدنش رفتم هنوز دستش را نمی توانست درست حرکت دهد و گردنش را که گلوله سوراخ کرده بود، با دشواری تکان می داد. در پاسخ انزجاری که از این سو، قصد ابراز داشتیم به اقبال بی میلی گوئی از چیزی که دیگر خسته اش کرده است، سخن می گوید گفت: "زد و خورد است، چه باید کرد. هر کسی آنطوری که می تواند عمل می کند." دقیقه ای چند نگذشت که لنین با حرارت و خشم گفت: "آنکه با ما نیست بر ماست. مردمی که از جریان تاریخ کنسار بوده و مستقل زندگی کنند، وجود ندارند. هیچکس به ایشان نیاز ندارد."

آنگاه ما گورکی در باره رانند کارگران و روسفکران سخن می گوید: "... به نود و هوس باید یک چیز ساده، چیزی که درد سترس عقلی باشد نشان داد. شوراها و کمیونسم ساده است. اتحاد کارگران و

روزها به شدت ذهن لنین را بخود مشغول کرده بود، مسئله ملیت بود و اینکه پقدر "رفقا انترناسیونالیسم را درک کرده اند" در یاد داشت ۳۱ دسامبر ۱۹۲۲ می نویسد: "... ضروریست ناسیونالیسم ملت ستعمر و ناسیونالیسم ملت استمدیده را، ناسیونالیسم ملت بزرگ و ناسیونالیسم ملت کوچک را تشخیص دهیم. در مورد ناسیونالیسم دوم می توان گفت که همواره در تجربه تاریخی، ناسیونالیسم های ملت بزرگ در فشارهای بیشتر مقصود ما می باشد. کسی که این را درک نکرده است برآستی همچنان با دیدگاه خرده بورژوازی باقی مانده و از این رو نمی تواند هرآن به سوی بورژوازی درنظند.

چه چیز برای پرولتاریا اهمیت دارد؟ برای پرولتاریا نه تنها مهم بلکه بسیار ضروری است که حداقلی اعتماد دیگر ملیتها به مبارزه طبقاتی پرولتاریا تأمین گردد. برای اینکار چه چیز ضروری است؟ برای اینکار تنها برابری ظاهری بسنده نیست. برای اینکار باید در هر صورت با رفتار یا گذشت های خود در مورد دیگر ملیتها، آن بی اعتمادی، آن بدگمانی و آن آزردگی هائی را که در گذشته تاریخی، حکومت ملت "عظمت طلب" پدید آورده است، جبران کند... هیچ چیز چون بی عدالتی ملی، رشد و تحکیم همبستگی پرولتاریا را بازمی نهد... مصالح بنیادی همبستگی پرولتاریا و در نتیجه مصالح مبارزه طبقاتی پرولتاریا از ما می خواهد که هیچگاه روشی ظاهری نسبت به مسئله ملی نداشته باشیم و همواره تفاوت حتمی را در مورد پرولتاریا ملت استمدیده و در مورد ملت ستعمر، در نظر داشته باشیم."

مصالح بنیادی همبستگی پرولتاریا و در نتیجه مصالح مبارزه طبقاتی پرولتاریا از ما می خواهد که هیچگاه روشی ظاهری نسبت به مسئله ملی نداشته باشیم و همواره تفاوت حتمی را در مورد پرولتاریا ملت استمدیده و در مورد ملت ستعمر، در نظر داشته باشیم.

بورژوازی می ایستند و این کاریست پس سترگ اما این درک نباید به هیچ روی این نکته را از ما بپوشاند که مادر واقع دستگاه کهنه را از تزار و از بورژوازی گرفته ایم یا این نکته را که اکنون با فرار سیدن صلح و تأمین حداقل نیازها در مقابل قحطی، همه کارهای ما باید به سوی بهبود دستگاه باشد...

کارگرانی که به ترکیب کمیته مرکزی درمی آیند، می بایست بیشترشان از آن کارگرانی نباشند که زمانی دراز در خدمت دستگاه های شوروی بوده اند. زیرا این کارگران دارای سنت ها و اعتقادات معینی شده اند که می بایست با آن مبارزه کرد. در میان کارگران عضو کمیته مرکزی می بایست بیشتر کارگرانی باشد که از فتر کارگرانی که طی پنج سال در شمار کارمندان شوروی درآمده اند پائین تر و به آن کارگران و دهقانان عادی که در ضمن در زمره بهره کشان مسعوم یا غیر مستقیم هستند نزدیک تر باشند. در حمله مدالی که در وایس

هنگامی که یکی از اعضای گارد سفید... در مورد بازی آنها علیه روسیه شوروی به انشعاب حزب ما چشم امید دوخته بود، ذبح حق بوده است... بازم برای "استواری" و جلوگیری از خطر انشعاب گوزد می کند: "کشاندن بسیاری از کارگران به کمیته مرکزی به کارگران در بهبود دستگاه ما که بسیار بد است... باری خواهد کرد. این دستگاه در واقع مرده ریگی است که از رژیم پیشین به ما رسیده است... ما در سال دولتی طراز نویسن پدید آوردیم که در آن کارگران در پیشاپیش دهقانان، رویاروی

نگران شخصیت هائی بود که در موضع رهبری قرار گرفته بودند و او آنان را با همه نقاط ضعف و قدرتش و نیک و بدشان می شناخت. شاید بهتر از هرکس می دانست که هیچیک از آنان چون آواز مجموعه ویژگی های یک رهبر انقلابی برخوردار نیستند، لنین نگران رشد خصلت های بوروکراتیک در دستگاه های دولتی بود و راه چاره آن را در شرکت جستن هرچه بیشتر کارگران در این دستگاه می جست.

او در نامه به کنگره می نویسد: "درباره افزایش شمار اعضای کمیته مرکزی باید بگویم که به پندار من چنین تدبیری هم برای بالا بردن اعتبار کمیته مرکزی و هم برای کار جدی درباره دستگاه ما و هم بخش های کوچکی از آنکه برخورد های نتواند اهمیتی بسیار بزرگ برای همه سرنوشت حزب داشته باشد، ضروریست. فکر می کنم حزب ما این حق را دارد که از طبقه کارگر ۵۰-۱۰۰ عضودر کمیته مرکزی بخواهد... چنین اصلاحی براسنواری حزب ما بسیار خواهد افزود و مبارزه حزب را در میان دولتهائی که دشمن هستند، آسان تر خواهد کرد. وانتهه... بد سرنوشتی است، علیه انشعاب... زیرا بدیبهی است

رفته رفته حال لنین رو به بهبود نهاد و به او اجازه داده شد هر روز ۳۰-۴۰ دقیقه به کار ادامه دهد. او که سخت بیمار بود، و شنی اندیشه، نیروی شگفت آور اراده و خوش بینی خود را همچنان نگاه داشته بود و تا ۹ مارس که دومین حمله به او دست داد به کار جسمی می پرداخت و یاد داشت های لنین را دیکته می کرد و برای دوازدهمین کنگره حزب کمیونست آماده می شد. در آخرین یاد داشت های لنین آنچه به چشم می خورد، نگرانی بزرگ او نسبت به آینده حزب که ۲۵ سال از زندگی پریشانش صرف ساختن آن شده بود، نگرانی برای انقلابی که ۳۷ سال مداوم برای به ثمر رسیدنش مبارزه کرده بود. نگران شخصیت هائی بود که در موضع رهبری قرار گرفته بودند و او آنان را با همه نقاط ضعف و قدرتش و نیک و بدشان می شناخت. شاید بهتر از هرکس می دانست که هیچیک از آنان چون آواز مجموعه ویژگی های یک رهبر انقلابی برخوردار نیستند، لنین نگران رشد خصلت های بوروکراتیک در دستگاه های دولتی بود و راه چاره آن را در شرکت جستن هرچه بیشتر کارگران در این دستگاه می جست.

لنین نگران رشد خصلت های بوروکراتیک در دستگاه های دولتی بود و راه چاره آن را در شرکت جستن هرچه بیشتر کارگران در این دستگاه می جست.

سدرسی اش بحرانی تر شد. دست راست و پای راستش از حرکت باز ماند. او به خطر بیماریش به حوسی آگاه بود و مادرک اینک به ساندس از چند روز دیگر بیکره از کار باز ماند، بر آن شد با داشت های را دیکته کند و در آنها اندیشه و دیدگاه هائی را که برای تحکیم ماسی سوسیالیسم در روسیه و در ساره حزب و تحکیم آن و بیامون آیده جنس انقلابی جهان "سیار

ما خواهان قطع کامل وابستگی اقتصادی سیاسی نظامی و فرهنگی با امپریالیسم آمریکاهستیم

گرامی باد یاد رفقای شهید ★★ ★★

گرامی باد یاد رفقای شهید بیمن روحی آهنگران فتح الله کرمی یوسف زرکاری مرتضی حاج شفیعیها

فدائی شهید

یوسف زرکاری

رفیق یوسف زرکاری، در دی ماه ۱۳۳۱ در یک خانواده کارگری به دنیا آمد. سه ساله بود که پدرش در گذشت و محصور شد برای نماندن محارح خانواده از همان سالهای کودکی به کارگری پرداخت. کار در کارخانه با نخستین آموزگاران انقلابی برای رفیق همراه بود. رفیق زرکاری نیز از کادرهای اولیه سازمان بود و از همان آغاز در سازمان، فعالیت‌های انقلابی خود را آغاز کرد.

رفیق زرکاری در شهریور ماه ۱۳۵۰ به وسیله سازمان مغفور است دستگیر شد و با هوشیاری بواسط اسرار فعالیت‌های سازمانی و انقلابی خود را از دشمن پوشیده نگاهدارد. رفیق



فدائی شهید رفیق یوسف زرکاری



فدائی شهید رفیق یوسف زرکاری

به یک سال زندان محکوم گردید. پس از آزادی با پیگیری و پشتیبانی نوانست سازمان خود ارتباط نگردد و سه فعالیت‌های انقلابی در درون سازمان ادامه دهد. از رفیق زرکاری، ابری به نام "خاطرات یک چریک در زندان"

به جا مانده است که بحارب یک ساله زندان او می‌باشد. رفیق یوسف زرکاری در تاریخ ۱۷ دی ماه ۱۳۵۲ در درگیری با ماوران سازمان امست در اصفهان شهید شد. او هنگام شهادت ۲۱ ساله بود. بقیه در صفحه ۱۱

سالگرد انقلاب پیروزمند کوبا را

به خلق قهرمان کوبا و رفیق فیدل کاسترو

تبریک می‌گوئیم



اول ژانویه مطابق با ۱۰ دیماه، سالروز انقلاب پیروزمند خلق کوبا است. بیست سال پیش در اول ژانویه ۱۹۵۹ حکومت دیکتاتوری باستانا، این رژیم دست نشانده امپریالیسم آمریکا، به دست انقلابیون کوبا سرنگون شد. دو سال بعد در ۱۹۶۱ دولت کوبا به رهبری "فیدل کاسترو" برقراری حکومت سوسیالیستی را در کوبا اعلام کرد.

حلقهای ایران در همان زمان سرنگونی باستانا و برقراری حکومت انقلابی کوبا را پیروزی بزرگی برای جنبش رهایی بخش ملی در جهان دانسته و همیشه از تجربه انقلاب کوبا بعنوان پشتوانه مبارزات آزادیبخش علیه ارتجاع و امپریالیسم، درسهای گرانبهائی گرفته‌اند.

حلقهای ایران در تمام سالهای خفقان و دیکتاتوری که توسط شاه حاش، عامل امپریالیسم جهانی به آنان تحمیل شده بود، به پیروزی‌ها و دساوردهای انقلاب مردم کوبا با تحسین می‌نگریستند و پیروزی خلق کوبا را پیروزی خود می‌دانستند. اسک که با فداکاری‌ها و جانبازی‌های بی‌دریغ خلق قهرمان ما، رژیم شاه سرنگون شده، حلقهای ما در شرایط ویژه‌ای در شادی مردم کوبا، در گرامی‌داشت پیروزی انقلاب خود شریک هستند. حسین فیرمان کوبا و رفیق "فدائی شریک" می‌گویند و خود را در سادی اسپاسیم می‌دانند.

ما سرخی بر سره انقلاب کوبا و دساوردهای داخلی و خارجی آن را به شماره آینده "کار" موکول می‌کنیم.

بد عوت ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن

زحمتکشان ترکمن، بلوچ و زابلی،

در راهپیمائی‌های خود همبستگی خلقهارا

در مبارزات ضد امپریالیستی به نمایش گذاشتند



گنبد - دهها هزار نفر از زحمتکشان سهر و یوساهای ترکمن صحرا در راهپیمائی روز یکشنبه ۱۶ دی ماه که به عوت ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا علیه عناصر وابسته امپریالیسم، رمن‌داران و غاصبین و برای ادامه اساکری عناصر وابسته به آمریکا برگزار شده بود، شرکت کردند. راهپیمایان با شور و شوقی انقلابی فریاد بر می‌آوردند: "زمین‌داران خونخوار، این دشمن ستکار نابود باید گردد." "استاد جاسوسخانه در پیشگاه ملت افشا باید گردد." راهپیمایان که بعضی از آنان از سب نسل از روستاهای دور به شهر آمده بودند، از صبح رود با اشتیاق در مقابل ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا اجتماع کردند.

در راس ساعت ۱۰/۵ صبح زحمتکشان که در صفوف منظم مشکل شده بودند، در حالیکه پلاکاردهائی در دست داشتند، به حرکت درآمدند. بر روی این پلاکاردها چنین نوشته شده بود: "ما خواهان افشاء عناصر وابسته به امپریالیسم هستیم." "افشای امریکائی باید ادامه یابد." زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند." "دست غاصبین و زمین‌داران بزرگ از زندگی زحمتکشان کوتاه باید گردد." "طرح خودگردانی هیئت ویژه دولت، توطئه‌ای است علیه خلقهای تحت ستم." "خودمختاری شورائی در ترکمن صحرا خواست زحمتکشان ترکمن

صحراست. یکی از نکات برجسته این راهپیمائی عظیم که تاکنون در ترکمن صحرا سابقه نداشته است، شرکت گسترده زحمتکشان زابلی و بلوچ بود که با صفوف منظم و لباسهای محلی برای نمایش گداس همبستگی خلقهارا در مبارزات ضد امپریالیستی در این راهپیمائی شرکت کرده بودند. در طول مسیر راهپیمائی در چند نقطه بیانیه‌هایی در جهت افشای سرمایه‌داران لیبرال این دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکائی خوانده شد و سر بیانیه‌افشاگرانه‌ای در باره سیاست ارتجاعی و سازشکارانه حزب نوده قرائت شد. در این راهپیمائی که ۲/۵ ساعت به طول انجامد، راهپیمایان که از بقیه در صفحه ۹

حجت الاسلام موسوی رئیس دادگاه انقلاب تبریز

با انقلابیون کمونیست دشمن است

نه با امپریالیسم

در صفحه ۱۱

همه با هم دشمنان خلق را افشا کنیم
همه با هم در بزرگداشت
قیام شکوهمند بهمن بکوشیم
مردم مبارز و آگاه ایران!

۱- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در امر مهم افشای و معرفی دشمنان خلق به یاری بی‌دریغ شما متکی است. لذا در این موقعیت که افشا و معرفی دشمنان خلق برای پیشبرد مبارزه‌ار اهمیتی عظیم برخوردار است، از شما می‌خواهیم که هرگونه سند و مدرکی پیرامون خیانت سرمایه‌داران وابسته و دوسان و جاسوسان امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا، در دست دارید، در اسرع وقت برای ما بفرستید.

۲- از آنجاکه بزرگداشت قیام شکوهمند خلقهای قهرمان میهن ما در رشد و اعتلای آگاهی طبقه کارگر و زحمتکشان از اهمیت فراوانی برخوردار است، و از آنجاکه بزرگداشت و پاسداری از سنت‌های انقلابی مردم میهن ما، وظیفه‌ای است انقلابی که همه ما باید آن را بدرستی به انجام رسانیم. از شما می‌خواهیم که هر مطلب، سند، عکس، جمع بندی تحارب و خاطراتی که در شناخت این واقعه تاریخی و بزرگداشت شکوهمند آن به ما یاری رساند در اختیار سازمان قرار دهید.

ما با جاب حزب اول نام و کد انتخاب شده توسط شما، از طریق نشریه "کار"، شمار را از رسیدن سند فرستاده شده مطلع میسازیم

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

در سال ۲۲، سال سرکوب خونین مردم توسط ارتش، تیمسار مدنی درباره رضا خان می گوید:

شاهنشاه فقید در راه نیرومند نمودن ایران نوین، در راه تجدید عظمت شاهنشاهی کهن با اراده استوار پیش قاحت و... اعلیحضرت شاهنشاه با توجه کاملی که بهمراه امور میهن دارند...

تیمسار در یادار مدنی که تازگیها دکتر سید احمد مدنی شده است، درباره ولینعت خود یعنی شاه خائن و پدرش رضاخان چنین می گوید:

"شاهنشاه فقید در حالی زمام امور کشور از هم پاشیده و پریشان ایران را بدست گرفت که در خلیج فارس جزایمی از ایران نمانده بود و نه تنها بیشتر شیوخ خلیج فارس سرسپرده خارجی گردیده و سیاست مزبور آنها را اداره می کرد، بلکه اغلب سواحل و جزایر ایران تحت نظارت و استیلاي چنین سیاستی قرار گرفته بود.

او همچنین در تعریف و تمجید از رضاخان می گوید:

"در چنین زمانی شاهنشاه فقید... از همان آغاز زمامداری با اراده ای بس استوار این اندیشه را از قوه به فعل درآورد.

او اضافه می کند:

"همینکه بی می برند شاهنشاه با عزم و اراده ای راسخ و خلل ناپذیر می خواهد بحریه ایران را احیاء و زندگی نوینی بخشد و از بهر رستن منافع بیکران ملت ایران در خلیج فارس پیشگیری نماید، چندانکه ما بیای می کنند و بار دیگر کارشکنی ها آغاز می گردد... ولی این مخالفت ها و کارشکنی ها کوچکترین خللی در برنامه شاهنشاه فقید در راه نیرومند نمودن ایران پیش نیاورد و همچنان با اراده استوار در راه تجدید عظمت شاهنشاهی کهن و سازمان بندی ایران نوین و به سوی سر بلندی آن به پیش تاخت.

همچنین بنیم تیمسار مدنی در مورد خود شاه و نیم قرن حکومتش او چه می گوید:

دربار مدنی در همان سخنرانی درباره شاه جنایتکار می گوید:

"اعلیحضرت شاهنشاه با توجه کاملی که به امور میهن و پیشبرد آن دارند دوباره نیروی دریایی ایران را بنیان گذاری و امر به تاسیس داد زده به رئیس ستاد وقت (سال ۱۳۲۵) شادروان سپهبد

رزم آرا ابلاغ فرمودند که نیروی دریایی ایران گشایش یابد. او در دفاع از رژیم شاهنشاهی و برشمردن مجامع ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی ایران چنین گفته است:

"ناگهان افق سیاسی ایران درخشندگی خاصی پیدا کرد و دگر بار شاهنشاهی نیرومند همانند ساسانیان و بر همان مدار و مرکزیت زمام امور میهن راه دست گرفت و گام هایی بلند در بزرگداشت ایران برداشت.

این سخنان را تیمسار در یادار سید احمد مدنی در سال ۱۳۲۲ سال ۱۵ خرداد خونین، سال سرکوب خلق رحمتکن ایران توسط ارتش شاه اظهار داشته است.

سخنان تیمسار در یادار سید احمد مدنی در کتابی تحت عنوان خلیج فارس که توسط اداره کل انتشارات و رادیو شاهنشاهی منتشر شده به چاپ رسیده است. در مقدمه این کتاب آمده است:

"تمام سوم اسفند ۱۳۹۹ خورشیدی که به پایمردی سرداری فدائو انجام گرفت (مقصود کودتای ننگین رضا خان است) به آن روزگار تباهی و ساهی خاتمه داد و کشور را از آفتگی و مسرمد را از پریشانی نجات بخشید و اجزای پراکنده و گسخته میهن را با یکدیگر به هم پیوست و جنبش و کوشش جاننشین خموشی و دل مردگی شد. (دربار مدنی و سایر سران ارتش هم اینک نیز سودای حکومت نظامیان را در سرمی پروراند و هر یک می خواهند رضاخان جدیدی باشند) در عصر رضاشاه کبیر بنیان گذار ایران نوین برای شناساندن اجزای کشور کوشش هایی به عمل آمد اکنون خداوند را سپاس می گذاریم که به عنایت شاهنشاه بزرگ و دانش پرور ما آن آثار شوم از چهره ایران عزیز به کلی زدوده شده است و کشور ما در پرتو یک انقلاب بزرگ اجتماعی و اقتصادی به شاهره روشنی افتاده است که پایان آن باز یافتن بزرگواری گذشته و آسایش حال و سرفرازی آینده است.

برای رسیدن به هدف های بزرگ انقلاب شاه و مردم از جمله شناختن اجزای گوناگون کشور چه از جهت تاریخی و چه از جهت دیگر وزارت اطلاعات سرفرازی است و با تشکیل سمینار خلیج فارس می توانسته است بزرگترین شاهسراه دریایی ایران را چنانکه شایسته است بشناساند.

تیمسار در یادار مدنی در جریان مبارزات مردم قهرمان میهن علیه امیرالایسم آمریکا و رژیم شاه پیوسته در منزل درخشش که با مرکز جاسوسی آمریکا در ارتباط مستقیم بود حضور می یافت و با درخشش و سایر دوستان و جاسوسان آمریکا به چاره جویی می نشست.

او که عضو جبهه ملی است در کابینه بازرگان به وزارت دفاع و سپس به استانداری خوزستان و فرماندهی نیروی دریایی رسید. مدنی در مقام فرماندهی نیروی دریایی و هنگامی که سردار خوزستان به ویژه خلق عرب را کشتار می کرد درباره رحمتار جنایتکار چنین گفت:

"بختیار مردی شریف، صادق و لایق بود. (آیندگان ششم ششم مرداد) البته یک عضو صادق جبهه ملی باید هم در کمال وفات درباره نوکر بی اختیار امیرالایسم آمریکا چنین اظهار نظر کند.

مدنی در کمال افتخار این سخن شاه را تکرار می کند:

"ما از موضع قدرت سخن می گوئیم و هر عمل خلافی را سرکوب خواهیم کرد. (روزنامه های یکشنبه هفتم مهرماه) او در مصاحبه خود با روزنامه آیندگان شان داد که مایل است مثل شاه برای سرکوب خلق عمان امیرالایسم آمریکا و صهیونیسم نبرد می کند نیرو کسب دارد. او در پاسخ به این سؤال خبرنگار که پرسیده بود آیا ایران به تهدید شیطان خلیج فارس که مورد تهدید کمونیست ها هستند کمک خواهد کرد چنین می گوید:

"... اگر مردمی که نمی توانند از خود دفاع کنند از ما طلب کمک کنند، این وظیفه ماست که به آنها کمک کنیم.

(آیندگان چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت) البته مردم ایران به خوبی می دانند که شاه سیر وقت می خواست دخالت های نظامی خود را در منطقه که مشخصا برای حفظ منافع امیرالایسم آمریکا و صهیونیسم صورت می گرفت توجیه کند. همین حرف ها را می رود.

نقشه در صفحه ۲ ضمیمه



سخنرانی سرکارنا و سروران احمدی

دریا نوردی در خلیج فارس و پیشینه تاریخی آن

سرکارنا و سروران احمدی، نیروی دریایی شاهنشاهی هستند که در تاریخ خلیج فارس بزرگوارترین ایران در خلیج مطالعات می دارند.

برداشت و آن دو دمان نمونه است. در زمینه تاریخ خلیج از سرسپیدی تا زمان کنونی چون دانشمندان ارجمندی نظیر جناب آقای دکتر بیانی و جناب آقای دکتر حریری آنچه مسأله گشتاد احتیاج به تمسک ندارم و به همین مستتر اکتفا مینمایم.

بخش سوم

نیروی دریایی ایران از زمان شاهنشاه فقید تاکنون

شاهنشاه فقید در حالی زمام امور کشور از هم پاشیده و پریشان ایران را بدست گرفت که در خلیج فارس جزایمی از ایران نمانده و نه تنها بیشتر شیوخ خلیج فارس سرسپرده خارجی گردیده و سیاست مزبور آنها را اداره می کرد، بلکه اغلب سواحل و جزایر ایران تحت نظارت و استیلاي چنین سیاستی قرار گرفته بود.

خلیج فارس

در چنین زمان شاهنشاه فقید باجای نیروی دریایی ایران و تجدید نفوذ از رفته در خلیج فارس همت گمارد و از همان آغاز زمامداری با اراده ای بس استوار این اندیشه را از قوه به فعل درآورد ولی باز سیاست خارجی رضایت نیندند و همینکه بی می برند شاهنشاه با عزم و اراده ای راسخ و خلل ناپذیر می خواهد بحریه ایران را احیاء و زندگی نوینی بخشد و از بهر رستن منافع بیکران ملت ایران در خلیج فارس پیشگیری نماید چندانکه ما بی یکدیگر کارشکنی ها آغاز میگرد.

در آن زمان در روزنامه تاپیز تاریخ ۱۳ اوت ۱۹۳۲، مقاله ای منتشر شد که این نارضایتی در آن بضمیمه نمایان است و ما بنظور آگاهی بر مفاد آن ترجمه مقاله مزبور در زیر می نوشت کردیم. ولی این مخالفت ها و کارشکنی ها کوچکترین خللی در برنامه شاهنشاه فقید در راه نیرومند نمودن ایران پیش نیاورد و همچنان با اراده ای بس استوار در راه تجدید عظمت شاهنشاهی کهن و سازمان بندی ایران نوین و به سوی سر بلندی آن به پیش تاخت و از سال ۱۳۰۶ تا ایجاد نیروی دریایی ایران بافتگیلاتی جدید و پیش افتاده آغاز نمود. نخست تعدادی دانشجو و دانش آموز برای آموزش فنون دریانوردی و تهیه کادر افسری و درجه داری بنادکها و آموزشگاه های دریایی کشور ایتالیا گسیل داشت و سفارش ساختن ناوهای جنگی را به مؤسسات ایتالیا ای داد و سپس با ایجاد بندر و پایگاه های دریایی.

چنین نیروی را در خلیج فارس ویا در دریای مازندران می نمایند.

اعلیحضرت شاهنشاه با توجه کاملی که به امور میهن و پیشبرد آن دارند دوباره نیروی دریایی ایران را بنیان گذاری و امر به تاسیس داد زده به رئیس ستاد وقت (سال ۱۳۲۵) شادروان سپهبد رزم آرا ابلاغ فرمودند که نیروی دریایی ایران گشایش یابد. از این تاریخ مجدداً پایگاه های نیروی دریایی ریخته شد و از سال ۱۳۲۸ بعد دوباره دانشجوین و دانش آموزان رستندریایی برای آموزش بنیادین دانشکده های دریایی کشورهای فرانسه - ایتالیا - انگلیس برای طی دوره های تخصصی و سوی دانشکده های دریایی آمریکا رهسپار شدند. این جریان همچنان ادامه دارد و پیشرفت محسوس نموده و انتظار می رود بحریه ایران خواهد جنگی وخواه بازرگانی در آینده بقلمانی که درخور کشوری همچون ایران است برسد.

نابود باد جبهه احزاب و محافل سرمایه داران لیبرال

تیمسار مدنی خواهان ارتشی است که زیر نظر آمریکا باشد

سید رضی مدنی می‌دهد که تیمسار مدنی در دست فرماندهی سروی دریائی حکومت در جهت نفوذ وابستگی ارتش به امریالیسم آمریکا اقدام کرده است. در سند شماره ۱ در بند الف زیر عنوان اعلام مخصوص نظامی در جمعیت تیمسار مدنی موافقت می‌کند که سروی دریائی ایران همچنان زیر نظارت و نفوذ امریالیسم آمریکا نام می‌ماند. در جهت نفوذ این وابستگی اقدامات عاجلی صورت گیرد. در سند ب این سند، درخواستی که میلیون‌ها کارگر ایرانی با سکاری و گریسکی دست نه گریانیستند،

سید رضی مدنی موافق است که مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال در جهت شروع درخواست‌های ضروری به دفتر تدارکات آمریکا حواله شود. در سند شماره ۲، جشننامه شورای دایره جریک خارج از کشور سروی دریائی را مشاهده می‌کنیم که تصمیمات فرماندهی را در جهت منافع مردم مشخص می‌دهد و نسبت بدان بطور تلویحی اعتراض می‌کند. تیمسار مدنی که با رهبران دشمنی آشکار خود را با هرگونه شورا اعلام دانسته است دستور انحلال شورای دایره جریک را صادر می‌کند.

در سال ۴۲، سال سرکوب خونین مردم

بقیه از صفحه ۱ نهمین
امروز سیر تیمسار دربار مدنی کاندیدای ریاست جمهوری برای پیوسته نگه داشتن خصوصیات دیکتاتورستانه خود که مشخصه همه فرماندهان ارتش آریا مهری است و همچنین برای حسی کردن قضاوت درستی که مردم نسبت به او دارند. یک سری سخنرانی‌های عوام فرسایشی را شروع کرده است. این سخنرانی‌ها را با آنچه او فعلاً در مورد شاه و پدرش گفته است، مقایسه کنیم تا ماهیت واقعی او را بهتر بسازیم.

او در این سخنرانی‌ها درست برخلاف آنچه تاکنون انجام داده و برخلاف آنچه تاکنون گفته و به آن اعتقاد داشته است، می‌گوید: «امروز دیگر ملت ایران زیر بار دیکتاتوری نمی‌رود، همانطور که دیروز هم نرفت، محمدرضا باید درسی باشد برای دیگران... باید سرنوشت محمد رضا خان درسی باشد برای کسانی که سودای دیکتاتوری در سردارند.»

(کیهان یکشنبه ۲۳ دیماه و اطلاعات دوشنبه ۲۴ دیماه)

کاملاروشن است در اینحماظهور جریک دربار مدنی از دیگران و کسانی که کسی نسبت حر خود را چون او بحوسی قضاوت مردم را درباره خودش می‌داند و بفایده نزنند می‌خواهد بگوید از تجربه محمدرضاخان درس گرفته است، او می‌خواهد بگوید دیگر دیکتاتورنشی رضاخانی را کنار گذاشته و اگر هم تاکنون نیروهای انقلابی حورستان و خلق عرب را سرکوب کرده هدفش این بوده که همچون رضاخان، با عزمی راسخ و اراده‌ای خلل ناپذیر بحزبه ایران را زندگکی نوینی بخشد و در به هدر رفتن منافع بیگران ملت ایران در خلیج فارس (از رضاخان پیشی گیرد) و در راه نیرومند نمودن و تجدید علمست ایران (بخوان شاهنشاهی کهن و سازمان بندی بیکارتن صدمردمی) به پیش تازد.

تیمسار دربار مدنی سپهده سلاخی می‌کند با رنگ عوض کردن ها عوام فرسی و دروغ برداری‌ها ماهیت واقعی خود و دیگر همدم سانش را سوزاند.

گویند تیمسار مدنی فراموش کرده است که یک عمر جد منگاری شده شاه و حمایت از غاریگری‌های رژیم پهلوی، و سیاسی از فرماندهان ارتش و وابسته به امریالیسم، سپهرسید اسفندکراهای است که همسراز در سگاه خلق ایران گشوده می‌ماند. اسناد سگکی که به شاه، درباردار مدنی و به دیگر سرسیردگان وابسته به امریالیسم هیچگاه صادر خواهد شد به آن رباباک کند.

فستی از سخنرانی دربار مدنی و تمجدهای او از شاه خان: " اعلیحضرت شاهنشاه با توجه کاملی که به همه امور عیبهن و پیش برد آن دارند... به رئیس ستاد وقت شادروان سپهبد رزم آرا - ابلاغ فرمودند که نیروی دریائی ایران گشایش یابد."
خلیج فارس اداره کل انتشارات، رادیو ۱۳۴۲

چه دستهایی در کار است؟
مردم می‌خواهند بدانند احمد مدنی امکانات مالی برای تبلیغات انتخاباتی خود را از چه کسانی دریافت می‌کنند؟ از کارگران و زمینکشان یا از سرمایه‌داران وابسته به امریالیسم؟ مردم می‌خواهند بدانند کسانی که برای دریافت مدنی تبلیغ می‌کنند، از چه کسانی پول می‌گیرند؟ این همه عکس و پوستر و اعلامیه که از سید احمد مدنی تمام شهرهای ایران را پوشانیده است، توسط کدام یک از احزاب سیاسی سابق و کنونی تهیه و به در و دیوار ندب می‌شود؟
چه کسانی در پشت پرده از احمد مدنی پشتیبانی می‌کنند؟ سید احمد مدنی که همه احزاب و سازمان‌های مترقی و ضد امریالیست او را دشمن خود می‌شمارند مدنی که تا دیروز هنوز هیچ کس او را نمی‌شناخت، چطور می‌تواند بین از همه عکس و پوستر و اعلامیه و تراکت و شعار روی دیوارها بچسباند و بنویسد؟
چه دست‌هایی در کار است؟

چرا اسناد دادگاه دربار مدنی را افشاء نمی‌کنند؟
همه میدانند که دربار مدنی به علت درگیری و کشمکش با برخی وابستگان دربار شاه در سال ۵۱ دستگیر و در دادگاه نظامی به تنزل درجه محکوم شده است.
مردم می‌خواهند بدانند علت مفضوب واقع شدن این شخصی چه بوده؟ زیرا او در سخنرانی‌هایش علت محکومیت و تنزل درجه خود را دشمنی با رژیم شاه اعلام کرده و سعی کرده بدین طریق خود را دشمن رژیم دیکتاتوری شاه معرفی نماید و به سود خود از آن بهره‌برداری کند.
مردم می‌خواهند متن کامل بازجویی‌ها و دفاعیات سید احمد مدنی برای اطلاع عموم از حقایق انتشار یابد.
مردم می‌خواهند بدانند مدنی چه کرده بود و در دادگاه چه گفته است؟

در سال ۴۲، سال سرکوب خونین مردم توسط ارتش، تیمسار مدنی درباره رضا خان می‌گوید:
شاه شاهنشاه اعجاز یاداری با اراده‌ای بی‌سوزان از همه اراده‌ها عمل می‌نمود. کسی که بی‌سوزان با شاهنشاه هم‌راهی راسخ و جلال می‌خواستند بجز شاه ایران را جنت و سندی نبود و در ره رفیق شاه، سکنی نداشت. حقایق حقیقی که در هر یک از این سخنرانی‌ها آمده است، و در هر یک از این سخنرانی‌ها آمده است، و در هر یک از این سخنرانی‌ها آمده است.
ولی این عکس‌ها و آراستگسی‌ها و کجرتن خلقی در به شاه شاه صدر راه شروع نمودن برای من نمود و همچنان با اراده اسوار راه جدید بخش شاهنشاهی می‌نمود.
این است نمونه‌ای از لایحه و تمجدهای دربار مدنی در سال ۱۳۴۲
ارضا خان از کسی که تمام منابع ثروت ایران را به امریالیست‌های عاریتگر سپرده بود.
و حالا که مردم ایران در مبارزات فرمانده خود حکومت بگسی بپلوی راه‌گور سپرده اند، نسیم دربار مدنی، چگونه عوامفریبی می‌کند.
او امروز می‌گوید:
امروز بگشاید ایران ز مردم بدعنوان می‌رود. بدعنوانی که دیروز همه بدعنوان بودند. بدعنوانی که دیروز بدعنوانی بود.
بدعنوانی که دیروز بدعنوانی بود.

ارتش - دربار مدنی - ارتش
مردم دریائی
(فصل - پنجم)
شماره
تاریخ
چونست

تیمسار مدنی
ارتش - دربار مدنی - ارتش
مردم دریائی
(فصل - پنجم)
شماره
تاریخ
چونست

تیمسار مدنی
ارتش - دربار مدنی - ارتش
مردم دریائی
(فصل - پنجم)
شماره
تاریخ
چونست

تیمسار مدنی
ارتش - دربار مدنی - ارتش
مردم دریائی
(فصل - پنجم)
شماره
تاریخ
چونست

مرگ بر امریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابستگانش